

چرا بازارها در فاز انتظار قرار گرفتند؟

بازگشت رکود

بازارها در فاز «انتظار» و معامله‌گران در شرایط «بلا تکلیفی». شرایطی آزاردهنده که سایه آن بر بسیاری از بازارها سنگینی میکند. اخبار متناقض سیاسی از مذاکرات با آمریکا باعث شده، پیش‌بینی‌پذیری در فضای اقتصادی از بین برود و مشخص هم نیست که این روند تا چه زمانی طول خواهد کشید. همین نااطمینانی باعث می‌شود افرادی که قصد خرید، فروش یا سرمایه‌گذاری دارند در حالت انتظار برای تصمیم‌گیری بمانند. موضوعی که سبب رکود در بازارهای مختلف شده؛ چراکه هرگونه ابهام از اوضاع آینده اقتصادی می‌تواند به دورنمای فرد آسیب برساند. چنانچه این محدودیت‌ها ادامه‌دار باشند، مجدداً باید در انتظار روند افزایشی نرخ دلار و سایر بازارها حتی با سرعتی بیشتر از گذشته باشیم.

RECESSION



ایران از آن به دستکاری مستعمل می‌آید
 و به واسطه این امر به دستکاری مستعمل می‌آید
rahmooz.ir

بازار پول

مجموعه: ۱۳۹۰ - شماره: ۱۳۹۰ - شماره: ۱۳۹۰

معمای دلار

با فرض توافق احتمالی بین بنیاد پول ایران و سازمان همکاری‌های منطقه‌ای، به واسطه این امر به دستکاری مستعمل می‌آید و به واسطه این امر به دستکاری مستعمل می‌آید.

به واسطه این امر به دستکاری مستعمل می‌آید و به واسطه این امر به دستکاری مستعمل می‌آید.

به واسطه این امر به دستکاری مستعمل می‌آید و به واسطه این امر به دستکاری مستعمل می‌آید.

به واسطه این امر به دستکاری مستعمل می‌آید و به واسطه این امر به دستکاری مستعمل می‌آید.



نسخه اقتصاد ۱۳۹۰

با استفاده از دستکاری مستعمل می‌آید و به واسطه این امر به دستکاری مستعمل می‌آید.

به واسطه این امر به دستکاری مستعمل می‌آید و به واسطه این امر به دستکاری مستعمل می‌آید.



مجموعه: ۱۳۹۰ - شماره: ۱۳۹۰ - شماره: ۱۳۹۰

مجموعه: ۱۳۹۰ - شماره: ۱۳۹۰ - شماره: ۱۳۹۰

بازار پول

مجموعه رشتی - فصل دوم - قسمت دوم از سریال پول

خط فقر

مهر ۱۳۹۲ - ماهیاریان: روزی که خط فقر را می بیند

آیدیه بخاری: روزی که خط فقر را می بیند و متوجه می شود که حسابش با پولهای بیگانه اشتباه می باشد. این اشتباه به معنی جاده تنگ و تاریکی و فقر است. او در تاریکی به پولهای بیگانه می بیند و به پولهای خود می بیند. او به پولهای بیگانه می بیند و به پولهای خود می بیند. او به پولهای بیگانه می بیند و به پولهای خود می بیند.

آیدیه بخاری: روزی که خط فقر را می بیند و متوجه می شود که حسابش با پولهای بیگانه اشتباه می باشد. این اشتباه به معنی جاده تنگ و تاریکی و فقر است. او در تاریکی به پولهای بیگانه می بیند و به پولهای خود می بیند. او به پولهای بیگانه می بیند و به پولهای خود می بیند.

آیدیه بخاری

۱۳۹۲

مهر ۱۳۹۲

مهر ۱۳۹۲

مهر ۱۳۹۲

مهر ۱۳۹۲

بازارپول

مجله تخصصی بازارپول - شماره ۱۳۴ - بهار ۱۴۰۲ - قیمت ۱۰۰ هزار تومان

خدمات غیر مذاکره‌ای برای مشتریان بازاریابی و فروش: تجربه جهانی چه می‌گوید؟

نجات بازنده‌ها

مهرمنش، مدیر عامل شرکت توسعه‌دهنده خدمات بازاریابی و فروش در بازار ایران و عضو هیئت مدیره انجمن بازاریابی و فروش ایران، با اشاره به اهمیت بازاریابی و فروش در اقتصاد ایران، به بررسی چالش‌های این صنعت و راهکارهای بهبود آن پرداخته است. او می‌گوید: «بازاریابی و فروش در ایران با چالش‌های زیادی روبرو است، از جمله کمبود بودجه، کمبود نیروی انسانی متخصص و کمبود داده‌ها. با این حال، با اتخاذ رویکردهای نوین و استفاده از ابزارهای دیجیتال، می‌توان به نتایج قابل توجهی دست یافت. در ادامه، به بررسی راهکارهای عملی برای بهبود بازاریابی و فروش در ایران می‌پردازیم.»

آنچه در ادامه خواهیم دید، مجموعه‌ای از راهکارها و تجربیات است که می‌تواند به مدیران بازاریابی و فروش در ایران کمک کند تا در بازار رقابتی ایران موفق شوند.

مهرمنش، مدیر عامل شرکت توسعه‌دهنده خدمات بازاریابی و فروش در بازار ایران و عضو هیئت مدیره انجمن بازاریابی و فروش ایران، با اشاره به اهمیت بازاریابی و فروش در اقتصاد ایران، به بررسی چالش‌های این صنعت و راهکارهای بهبود آن پرداخته است.

او می‌گوید: «بازاریابی و فروش در ایران با چالش‌های زیادی روبرو است، از جمله کمبود بودجه، کمبود نیروی انسانی متخصص و کمبود داده‌ها. با این حال، با اتخاذ رویکردهای نوین و استفاده از ابزارهای دیجیتال، می‌توان به نتایج قابل توجهی دست یافت.»

در ادامه، به بررسی راهکارهای عملی برای بهبود بازاریابی و فروش در ایران می‌پردازیم. آنچه در ادامه خواهیم دید، مجموعه‌ای از راهکارها و تجربیات است که می‌تواند به مدیران بازاریابی و فروش در ایران کمک کند تا در بازار رقابتی ایران موفق شوند.

نشان‌های حقوقی: بهرام
نشان‌های حقوقی: بهرام

[illegible]

فهرست مطالب

تورم چگونه اقتصاد را به بند کشید
پشت پرده تورم کاهشی در خردادماه
ایراد نرخ اعلامی تورم چیست؟
پیش بینی جدید از تورم ایران
تورم چگونه شکل می گیرد؟
بازارها در فاز انتظار
احتمالات دلاری در آینده
اثر کنترل دلار بر تجارت خارجی
اندر حکایت مالیات ستانی در ایران
پرش قیمتی مسکن تهران در ۵ سال!
موانع بزرگ بنگاه های تولیدی
خواسته مهم از متولی صمت
«ارزان فروشی و گران خری» در تجارت
رکورد جدید برای صادرات نفت ایران
بورس پر بازده می شود؟



بازار پول



شماره هشتم

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فرشته فریادرس

سردبیر: زهره پارسایی

صفحه آرایی و امور هنری: محمد سیدی

همکاران این شماره: فائزه طاهری، معصومه فریادرس

نسترن ساکی، زهرا سوری، زهرا ندایی، شیوا زمانی

دفتر مرکزی: رسالت، خیابان هنگام، تکاوران شمالی

لاله هشتم، پلاک ۷۷، واحد ۴

تلفن: ۰۹۳۸۹۸۹۳۱۴۲ - ۸۸۱۸۶۸۱۳

چاپ: ایران کهن

بخش آگهی ها: ۰۹۲۲۶۳۳۸۷۳۱

برای اشتراک بازار پول با شماره

۰۹۲۲۶۳۳۸۷۳۱

تماس بگیرید

تورم چگونه اقتصاد را به بند کشید



محمود جوامر ساز
اقتصاد دان

مطالعات تاریخی نشان می‌دهد، وقتی رژیم‌های سیاسی، اقتصاد را با هدف بقاء خود به گروگان می‌گیرند، اقتصاد نابود خواهد شد. این اتفاق با بزرگ‌تر شدن دیوان سالاری، افزایش هزینه‌های دولتی، افزایش هزینه‌های نهادهای غیردولتی سیاسی رانتی که از بودجه عمومی تغذیه می‌کنند، عدم تطابق هزینه‌ها و درآمدهای واقعی (کسری بودجه)، بیش بر آورد نادرست هزینه‌ها در بودجه‌های سالیانه، استقرار از بانک مرکزی، چاپ پول، کاهش ارزش پول ملی، افزایش نقدینگی، تورم و سیاست‌گذاری‌های ضد و نقیض در جهت مدیریت و تملطیف نابسامانی‌های خود ساخته از جمله مهار تورم همراه می‌شود که به ناپایداری اقتصادی و استمرار آن به ناپایداری سیاسی منجر می‌گردد. از مصادیق این اقدامات را می‌توان «دخاله در بازارها، کنترل و سرکوب قیمت‌ها، پرداخت یارانه‌ها، تعیین قیمت ارز و نرخ بهره و...» دانست، که عمدتاً با هدف مهار تورم خود ساخته به جای قطع ریشه‌های بروز تورم انجام میشود. به بیانی دیگر از طرفی دولت‌ها به منظور استمرار پایداری خود با توزیع رانت به گروه‌ها و جناح‌های ذی نفوذ از کیسه مردم، به خلق تورم می‌پردازند و از سوی دیگر با اتخاذ تصمیمات غلط برای محو آثار تورم تلاش می‌کنند، اما نتیجه معکوس است و به جایی می‌رسد که با خلق پول بیشتر، کل اقتصاد در باتلاق تورم فرو می‌رود. متأسفانه سیاست‌گذاران ما به ناترازی بودجه که حاصل ساختار معیوب اقتصادی است، بی توجهی کرده و آن را جدی نمی‌گیرند، در نتیجه هر سال کسری بودجه افزایش یافته و با افزایش ناترازی، رشد نقدینگی و تورم بیشتری ایجاد می‌شود.

با محوریت چاپ اسکناس و پوشش ناترازی بودجه است که پیامدی جز تورم ندارد. سیاست‌های ارزی شامل سرکوب نرخ ارز و یا شناورسازی آن و تلاش ناموفق در تک‌نرخ کردن ارز است. سیاست‌های یارانه‌ای کوپنی و اینک کالا بزرگ الکترونیکی رانیز شاهدیم که همگی، مثال‌هایی از روندهای ناموفقی هستند که از سوی دولت‌ها اتخاذ شده‌اند.

در اقتصاد تورمی این روش‌ها تنها کمکی به حل شرایط نمی‌کند، بلکه به پیچیده‌تر شدن مشکلات اقتصادی می‌انجامد. گرچه اعداد تورمی، حجم اقتصاد را بزرگ‌تر نشان می‌دهد، اما اقتصاد ما کوچک‌تر شده است. ارزش پول ملی طی ۴۴ سال گذشته بیش از ۴۶۰۰ برابر کاهش یافته، نرخ ارز

علل نابسامانی‌های اقتصادی ما را باید در ساختار ضعیف و معیوب اقتصاد سیاسی و سپس نظام سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرا جستجو کرد. در ساختار معیوب، حتی اتخاذ تصمیمات صحیح همواره از متن به حاشیه رانده می‌شود، زیرا در مرحله اجرا به پوسته سخت قوانین، مقررات و دستورالعمل‌های ناشی از قانونگذاری و تصمیم‌سازی‌های غیرعلمی و عمدتاً در راستای اهداف خاص برخورد کرده و از دستور خارج می‌شوند. سیاست‌گذاری‌ها عمدتاً در چرخه‌ای ناقص و معیوب اتخاذ شده و اشتباهات آزمون و خطا مدام تکرار می‌شوند. سیاست بودجه‌ای حول محور ناترازی بودجه همچنان تکرار می‌شود، سیاست‌های پولی



۷۰۰۰ برابر شده. حجم نقدینگی از ۲۵۸ میلیارد تومان به بیش از ۶ هزار و ۲۰۰ تریلیون تومان در پایان ۱۴۰۱ رسیده است. معدل تورم در چهار سال اخیر به ۴۴ درصد رسیده که بالاترین رکورد تورمی در تاریخ کشور است. بنابر گزارش ویژوال کپ، ایران در سال ۲۰۲۲ با تورم ۲/۵۲ درصد در میان ۱۰ کشور بالاترین تورم قرار داشته است. سهم ما از اقتصاد جهانی بر اساس آمار صندوق بین المللی پول به کمتر از یک درصد رسیده است، این رقم در ابتدای انقلاب حدود ۹/۱ درصد بوده است؛ بنابراین حجم و سهم اقتصاد مادر بستر اقتصاد جهانی با کاهش قابل ملاحظه‌ای ثبت شده است. میانگین رشد اقتصادی کشور در همین بازه زمانی دو درصد، و میانگین رشد سرانه بین صفر و یک درصد بوده است. علل این ناکامی‌ها را می‌توان در دوره طولانی سوء تدبیر مدیریت وایدئولوژی زدگی، ضعف شدید سرمایه گذاری، فقدان فضای مساعد کسب و کار، تنش شدید منطقه‌ای و جهانی، رانت و سیستم ناکارآمد بانکی و توسعه ناپذیرگی نهادهای مالی دانست. همه این موارد از تصمیم سازی‌های غیر علمی، احساسی و غیر منطقی در کنار وعده و وعیدهای ناشدنی در یک ساختار معیوب رانتی سرچشمه می‌گیرد. تصمیم‌های بیشتر بر معلول‌ها متمرکز است تا علت‌ها. کاملاً مشخص است که اقتصاد کشور، اقتصاد تورمی است. راه حل‌ها هم مشخص است، اما توجهی به راه حل‌ها نمی‌شود. ساختار اقتصادی فعلی، فاقد چشم انداز مبتنی بر واقع بینی و ظرفیت اقتصادی کشور است. قرار بود در چشم انداز توسعه ۱۴۰۴ به چه مقام و جایگاه اقتصادی برسیم؟ اینک در چه جایگاهی ایستاده ایم. همه ناکامی‌های ما به تحریم‌ها مرتبط نیست.

از سوی دیگر، تحریم‌ها مستمسکی در رابطه با ناکارآمدی عملکرد دولت‌ها شده، مسئولین در برابر تصمیمات نادرست خود، ضعف مدیریت و تورم، بحران ارزی و رشد پایین اقتصادی پاسخگو نیستند. از این مدیران که بر اساس روابط و خویشاوند سالاری بی بهره از دانش و تخصص مرتبط، از مقامی به مقام دیگر منتقل می‌شوند، نمی‌توان انتظار داشت کار ارزشمندی انجام دهند. صدور بخشنامه‌های جهت دار، بخش خصوصی را ضعیف‌تر و نهادهای فرادولتی و الیگارش را ثروتمندتر کرده‌اند. بالا بردن نرخ بهره، دستکاری در بورس، گردش ناقص اطلاعات و اعلام نرخ ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی از سال ۹۷ تا تیرماه ۱۴۰۰ که منجر به ۷۲۰ هزار میلیارد تومان رانت و پر کردن جیب رانت خواران شد، از نمونه‌های مهم است. در حال حاضر، در دولت فعلی ارزش نیمایی ۲۸۵۰۰ تومانی بلافاصله

پس از انتصاب رئیس جدید بانک مرکزی، بدون فرصت برای مطالعات و بررسی‌های پیش‌بینی به منظور واردات کالاهای اساسی و دارو و چند قلم کالای دیگر جایگزین شد که اکنون بخشی از کالاهای شمول آن خارج شده و با نرخ بالاتری وارد می‌شود. اختلاف نرخ ارز آزاد و ارز نیمایی در حال حاضر بسیار بیش از تفاوت ارز آزاد و ترجیحی در ۹۷ است و لذا احتمال بروز فساد بزرگتر از گذشته است. بسیاری از تصمیمات دولت، بدون در نظر گرفتن پیامدهای اجتماعی و اقتصادی اتخاذ می‌شوند که از جمله این تصمیمات می‌توان به تغییر ساعات کاری ادارات دولتی اشاره کرد که گفتگوهای ضد و نقیضی درباره برگشت به وضع قبل در جریان است. توزیع کالابرگ الکترونیکی که قرار است ۹۰ درصد مردم را شامل شود، یک بازگشت اقتصادی به دوران کوپنی خواهد بود. این نوع تصمیم گیری ناهنجار در یک ساختار معیوب سیاست اقتصادی رانتی، موقتی و ناپایدار است و بسیاری از احاد جامعه و دست اندر کاران گوش به زنگ تغییرات آن‌ها هستند. منشأ سیاستگذاری‌ها و تصمیم سازی‌های ناکارآمد، گروگان گرفتن اقتصاد توسط سیاست است که مهمترین دلیل ناترازی بودجه و به تبع آن افزایش حجم نقدینگی و رشد تورم است که بر همه ابعاد زندگی مردم تاثیر گذار است. تورم یک هیولا است که اقتصاد را از درون می‌خورد و نابود می‌کند. در بودجه ما علاوه بر هزینه‌های بسیار بزرگ دیوان سالاری که هر نهاد دولتی، بودجه‌های بزرگ طلب می‌کند. نهادهای که فقط صاحب نام هستند و فاقد مجوز تأسیس هستند در بودجه صاحب ردیفند. همینطور برخی نهادها نیز با ماهیت غیر دولتی در ردیف مصارف بودجه حضور دارند مثل صدا و سیما و... که امسال چندین برابر وزارتخانه‌ها بودجه گرفته‌اند. دولت برای جبران ناترازی بودجه چه می‌کند؟ یا به مالیات فشار می‌آورد یا درآمدهای موهوم ایجاد می‌کند. این موضوع است که کسری بودجه ایجاد می‌کند.

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس در زمان تصویب بودجه ۱۴۰۱ برآورد کرده بود که این بودجه ۴۰۰ هزار میلیارد تومان کسری دارد. اما اخیراً گفته شد، ۷۹۴ هزار میلیارد تومان کسری بودجه بوده است. بی تردید حجم نقدینگی بیش از ۶۲۰۰ تریلیون تومانی پایان ۱۴۰۱ ناشی از پوشش ناترازی بودجه بوده است؛ که آثار آن امروزه به صورت گرانی‌های شگفت‌آور قابل ملاحظه است.

یکسال پس از حذف دلار ۴۲۰۰ چه بر سر قیمت ها آمد؟

پشت پرده تورم گاهشی در خردادماه



براساس اعلام مرکز آمار، تورم نقطه‌به‌نقطه خردادماه نسبت به ماه قبل با کاهش قابل توجهی مواجه شد و عدد ۴۲/۶ درصد را به ثبت رسانده است. این در حالی است که تورم نقطه‌به‌نقطه اردیبهشت ۵۴/۶ درصد ثبت شده بود. این کاهش قابل توجه ۱۲ درصدی در سطح قیمت‌ها به عبور از شوک قیمتی ناشی از حذف ارز ترجیحی در اردیبهشت و خردادماه سال ۱۴۰۱ بازمی‌گردد. واضح‌ترین علت این سقوط، به جهش تورم در خرداد سال گذشته برمی‌گردد؛ چراکه بیشترین بار حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی روی بخش خوراکی‌ها و طی خردادماه رخ داد که باعث شد تورم کل به ۵۰ درصد نزدیک شود، عددی که زیاد پیش از آن اتفاق نیفتاده بود. به عبارتی، طی خرداد ۱۴۰۱، تورم کل ۱۱۰۴ واحد درصد و تورم خوراکی‌ها ۳۲۰۶ واحد درصد افزایش یافته بود. اما از آنجا که در محاسبه تورم سالانه در پایان خرداد امسال، شاخص قیمت‌ها را با پایان خرداد سال گذشته مقایسه می‌کنیم، عملاً قیمت‌ها با قیمت‌های پس از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی مقایسه می‌شوند و تورم محاسبه‌شده کمتر از گذشته می‌شود. به همین دلیل، در خرداد ۱۴۰۲ تورم کل ۱۲ واحد درصد و تورم خوراکی‌ها ۳۲۰۸ واحد درصد کم شدند.

تصویر قیمت‌ها در خرداد

مرکز آمار ایران در گزارشی آمار مربوط به شاخص بهای مصرف‌کننده در خردادماه را منتشر کرد. تورم ماهانه خرداد ۲ درصد بوده که نسبت به تورم‌های ماهانه ۱۵ ماه گذشته پایین‌ترین است، هر چند در شرایط معمول خرداد معمولاً تورم ماهانه‌ای کمتر از ماه‌های قبل و بعد خود داشته است. بر این اساس شاخص مصرف‌کننده در عدد ۱۸۹/۳ ایستاد. این عدد یعنی، تورم نقطه‌به‌نقطه خردادماه نسبت به ماه قبل با کاهش قابل توجهی مواجه شد و عدد ۴۲/۶ درصد را به ثبت رسانده است. این در حالی است که تورم نقطه‌به‌نقطه اردیبهشت ۵۴/۶ درصد ثبت شده بود. این کاهش قابل توجه ۱۲ درصدی در سطح قیمت‌ها به عبور از شوک قیمتی ناشی از حذف ارز ترجیحی در اردیبهشت و خردادماه سال ۱۴۰۱ بازمی‌گردد.

واضح‌ترین علت این سقوط، به جهش تورم در خرداد سال گذشته برمی‌گردد. بیشترین بار حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی روی بخش خوراکی‌ها و طی خردادماه رخ داد که باعث شد تورم کل به ۵۰ درصد نزدیک شود، عددی که زیاد پیش از آن اتفاق نیفتاده بود. در واقع، طی خرداد ۱۴۰۱، تورم کل ۱۱۴ واحد درصد و تورم خوراکی‌ها ۳۲۶ واحد درصد افزایش یافته بود. از آنجا که در محاسبه تورم سالانه در پایان خرداد امسال، شاخص قیمت‌ها را با پایان خرداد سال گذشته مقایسه می‌کنیم، عملاً قیمت‌ها با قیمت‌های پس از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی مقایسه می‌شوند و تورم محاسبه‌شده کمتر از گذشته می‌شود. به همین دلیل، در خرداد ۱۴۰۲ تورم کل ۱۲ واحد درصد و تورم خوراکی‌ها ۳۲۸ واحد درصد کم شدند. به عبارتی دیگر، با حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰، افزایش قیمت کالاهای اساسی که به نیروی ارز ارزان سرکوب می‌شد و از نمایان شدن آن جلوگیری شده بود، خود را نمایان ساخت و موجب شد یک انتقال سطح تورم به وقوع بپیوندد.

اثر حدوداً ۱۲ واحد درصدی حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی پیش از اجرای این سیاست در خرداد سال گذشته از سوی برخی پژوهشگران تخمین زده شده بود. انتظار می‌رفت اثر حذف ارز ترجیحی به عنوان یک اثر دفعی و یک‌باره روی قیمت دسته‌ای از کالاهای، باعث یک بار افزایش سطح قیمت‌ها شود و پس از آن دیگر رشد قیمت‌ها مسیر گذشته خود را طی کند. اما حالا که به کل مسیر تورم در یک سال گذشته نگاه می‌کنیم،

می‌بینیم فارغ از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی، مسیر تورم افزایشی بوده است. چرا که حالا با حذف اثر این سیاست در تورم سالانه، باز هم نرخ تورم حدود ۶ واحد درصد بیشتر از اردیبهشت گذشته و ده واحد درصد بیشتر از فروردین ۱۴۰۱ است.

افت قیمت کدام کالاها به کاهش تورم کمک کرد؟

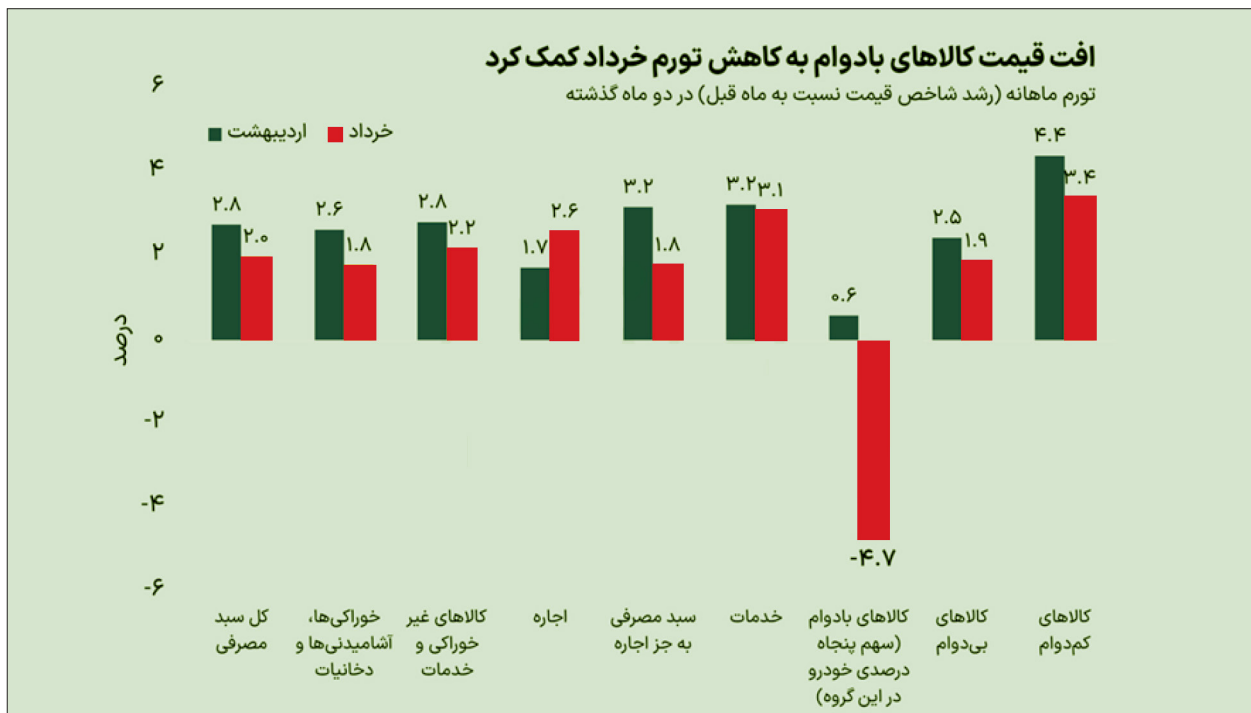
آمارها حاکی از این است که تورم ماهانه اکثر گروه‌های اصلی سبد مصرفی، به جز اجاره، نسبت به اردیبهشت کاهش یافته است. در این میان، تورم منفی ۷/۴ درصدی کالاهای بادوام جالب توجه است. کالاهای بادوام آن دسته از کالاها هستند که در کوتاه‌مدت و میان‌مدت با سرعت کمی مستهلک می‌شوند. شاید مهم‌ترین آن‌ها در سبد مصرفی، خودرو باشد. با توجه به ضرایبی که در گزارش مرکز آمار گفته می‌شود، سهم کالاهای بادوام در سبد مصرفی حدود ۷ درصد است که ۵/۳ درصد از آن به خودرو (بخش «خرید وسایل نقلیه») مربوط می‌شود. تورم خودرو بر مبنای محاسبات مرکز آمار، طی یک سال ۴/۵۹ بوده و طی ماه خرداد رشد منفی هشت درصدی داشته است. این نزول قیمت خودرو در بازار قابل مشاهده بود. در واقع در ماه خرداد تب بازارهای دارایی مثل طلا و دلار و همچنین خودرو که چند سالی است تبدیل به کالای سرمایه‌ای شده، آرام‌تر شدند که احتمالاً بیشترین اثر چیز تحت تأثیر برخی نشانه‌ها از مذاکرات خارجی بود؛ بنابراین در کنار این که جهش قیمتی ناشی از حذف ارز ترجیحی دیگر روی تورم سالانه اثر ندارد، کاهش موقت انتظارات تورمی هم به کاهش تورم کمک کرده است. طبیعی است که کاهش تورم محاسبه‌شده -به ویژه در مقیاس سالانه- چندان با احساس روزمره مصرف‌کنندگان نسبت به رشد قیمت کالاهای سازگار نباشد.

آیا دولت قادر به مهار تورم خواهد بود؟

آمارهای تورم منتشرشده از درگاه ملی آمار، با هدف‌گذاری نقشه راه اقتصادی که تورم ۱۵ درصدی را مورد هدف قرار داده بود، تطابق زیادی ندارد. در همین رابطه اگر تصور شود شاخص قیمت مصرف‌کننده تا پایان سال تغییری نداشته باشد، تورم بیش از ۱۰ درصد با هدف اعلام‌شده فاصله خواهد داشت. به عقیده برخی صاحب‌نظران، تورم

علت بیماری اقتصاد ایران نیست، بلکه مانند تب که نشانی از بیماری است، نشانه‌ای از وجود بیماری در تن اقتصاد ایران است. به همین دلیل این عده معتقدند سرکوب تورم به وسیله هر زور و ابزاری شاید بتواند تب تورم را کاهش دهد، ولی احتمالاً به التهاب بیشتر سایر بخش‌ها منجر می‌شود. در چارچوب این ادبیات، اقتصاد مانند یک کتابخانه نیست که بتوان هر طبقه را جداگانه مرتب کرد و به طبقه بعدی رفت، بلکه یک کلاف درهم تنیده در نظر گرفته می‌شود که در آن همه متغیرها و بخش‌های پولی و حقیقی باهم ارتباط دارند و اگر بخواهیم بدون توجه به سایر بخش‌ها آن را صاف کنیم، بیشتر گره می‌خورد. بر اساس نقشه راه تهیه شده دولت سیزدهم که در آذر ۱۴۰۰ منتشر شده، هدف‌گذاری شده که در سال ۱۴۰۲ تورم به ۱۵ درصد برسد. عموماً در ارزیابی‌های تورمی، تورم سالانه مبنای هدف‌گذاری و سیاست‌گذاری‌ها است. این تورم از رشد میانگین دوازده‌ماهه شاخص قیمت در هر بازه نسبت به موقعیت مشابه خود در سال گذشته چه تغییری می‌کند. اگر منظور نویسنده تورم سالانه منتهی به اسفند ۱۴۰۲ باشد، گزارش‌های انتشار یافته از درگاه ملی آمار نشان می‌دهد که عملکرد دولت با وعده وی هماهنگ نبوده است. برای مقایسه عملکرد و هدف تورمی با توجه به

نگاه دولت سیزدهم به شاخص‌ها، داده‌های مرکز آمار اساس مقایسه قرار می‌گیرد. بر این اساس مشاهده می‌شود حتی اگر از تیر تا اسفند ۱۴۰۲ تغییرات ماهانه شاخص قیمت‌ها صفر باشد و شاخص عمومی قیمت مصرف‌کننده تغییری نداشته باشد، باز هم در خوش‌بینانه‌ترین حالت در انتهای سال شاهد تورم ۲۹ درصدی خواهیم بود. به عقیده کارشناسان در شرایطی که در بازارهای پولی، بانک‌ها با وام دادن به پروژه‌هایی که ریسک‌های بالایی دارند و بانک مرکزی با عدم نظارت و قدرت کافی برای کنترل بانک‌ها در نهایت مجبور به خلق نقدینگی می‌شود؛ در بخش عرضه اقتصاد و روابط سیاسی، محصولات داخلی توانایی زیادی برای رقابت در عرصه‌های بین‌المللی را ندارند و اگر داشته باشند نیز موانع زیادی در اثر تنش‌های روابط سیاسی و بین‌المللی و تلاطم‌های اقتصادی بر سر راه آن‌ها قرار می‌گیرد و ارزآوری آن‌ها را با محدودیت مواجه می‌سازد؛ در بازار کار بیش از نیمی از بیکاران دارای مدارک آموزش عالی هستند و در بخش تقاضا قدرت خرید خانوار هر ماه تحت تاثیر تورم کمتر می‌شود، واقع‌نگری و برنامه‌ریزی همه‌جانبه در برنامه‌هایی مانند برنامه توسعه یا نقشه راه اقتصادی اهمیت بیشتری می‌یابد.



تورم چگونه شکل می گیرد؟



حسین راغفر
اقتصاددان و
استاد دانشگاه

ایجاد تورم، تحت تاثیر عوامل مختلفی رخ می دهد. مهمترین عامل، افزایش نرخ ارز است که دولت آن را شکل می دهد. این نکته درستی است که بانکها در تخریب اقتصاد کشور نقش ایفا کرده اند و منابع مردم را به سمت حوزه ها و فعالیت های سفته بازی، سوداگری و خرید و فروش سکه و ارز سوق داده اند. اگر از این زاویه به موضوع نگاه کنیم، این ادعا، ادعای درستی است، اما نمی توانیم منکر عدم نظارت بانک مرکزی و تشدید شرایط مذکور شویم. حتی اگر بگوییم بانکداری خصوصی بدتر از بانکداری دولتی عمل کرده، باید بر این نکته نیز تاکید کنیم که تمام نظام بانکی مقصر است. اگر بدهی های بانکی، بیش از حد افزایش پیدا کند، طبیعتاً آثار تورمی نیز به وجود خواهد آمد، بنابراین مدیریت و نظارت بر بانکها در حوزه خلق پول، امر بسیار مهمی است. اگر نظارت وجود نداشته باشد، سیاست گذاری ها درست نباشد و بانکها بدهی بی کیفیتی را ایجاد کنند، قطعاً این سلسله موارد برای اقتصاد، مخرب خواهد بود. در ضمن ما در ایران چیزی به نام بانک خصوصی نداریم؛ یعنی بانک های خصوصی ارتباطات پشت پرده ای با دولت دارند. اگر این ارتباطات شفاف سازی شوند، مشخص می شود که ما به معنای واقعی کلمه، بانک خصوصی نداریم. عمده سهام داران بانکها،

سهام داران شناخته شده اند. شاید این سهامداران دولتی نباشند، اما سهامداران عمومی محسوب می شوند. این نهادها شبه دولتی اند. به عبارتی، بخش قابل توجهی از سودها به دولت ها و نهادها تعلق دارد. تمکین نکردن بانکها به علت خلق پول است. ضوابطی که بانک مرکزی برای اعطای وام و تسهیلات تعیین کرده بود، توسط بانکها رعایت نمی شود و فراتر از حدود تعیین شده پرداخت و به نوعی خلق پول می شد. این فرایند به افزایش نقدینگی در جامعه و تشدید تورم منتهی می شود. بانک مرکزی هیچگاه اختیارات لازم را برای مقابله با این شرایط نداشته و در برخورد با این عملکرد بانکها قدرتی ندارد. بسیاری از این بانکها به بنیادها و نهادها تعلق دارند و در نتیجه ورود بانک مرکزی به موضوع، بسیار پیچیده و دشوار است. راه حل درمان این شرایط، خروج نهادهای مذکور از اقتصاد است تا بتوانیم از حالت انحصاری خارج شویم. در ضمن بانک مرکزی باید اختیارات کافی را برای مقابله با این شرایط را داشته باشد. همه اطلاعات از جمله ورودی و خروجی بانکها و تسهیلاتی که اعطا می کنند روی سامانه بانک مرکزی ثبت شده و مشخص است و می توان به سهولت تشخیص داد بانکها تخطی کرده اند یا خیر. اما تا کنون قدرتی برای مقابله نبوده است. مشکل اصلی در شرایط فعلی، ضعف در نظارت و اجرا است.

ایراد نرخ اعلامی تورم چیست؟

کلانشهرها با شهرهای کوچک و متوسط کاملاً متفاوت است. مثلاً می‌دانیم؛ آن اندازه که در شهرهای بزرگ، مثل تهران، مسکن، دغدغه و معضل بزرگی است، در شهرهای کوچک نیست. در شهری مثل تهران بالاتر از ۶۰ درصد هزینه‌های خانواده صرف اجاره بها می‌شود. خانواده‌ای که ۲۰ میلیون تومان درآمد دارد گاهی تا ۱۵ میلیون تومان بابت اجاره واحد هزینه می‌کند، این در حالی است که حقوق و

در توضیح اینکه چرا مردم حس می‌کنند عدد اعلام شده تورم از سوی مراجع رسمی با آن چه که خود، حس می‌کنند متفاوت است، می‌توان اینطور پاسخ داد که شرایط مذکور، به این موضوع مرتبط است که مردم با اقلامی سر و کار دارند که تورم بالایی را شامل می‌شود. می‌دانیم که نرخ تورم



وحید شقاقی
اقتصاددان و
تحلیلگر اقتصادی



دستمزد زیر بیست درصد افزایش پیدا می کند و دولت نیز تورم را ۴۶ درصدی می داند و ادعای کنترل تورم را دارد. در برخی دیگر از اقلام پر مصرف از جمله مرغ، گوشت و لبنیات نیز وضعیت به همین ترتیب است و مردم می بینند که این اقلام با تورم بالاتر از تورم ۴۶ درصدی که دولت اعلام کرده است فروخته می شود. در نتیجه این شائبه پیش می آید که تورم اعلام شده از سوی دولت با واقعیت بازار، همخوانی ندارد. مردم تورم را با تعداد کالاهای ملموس و محدودی که بیشتر استفاده می کنند می سنجند، نه با سیصد، الی چهارصد قلم کالایی که ممکن است حتی سالی یکبار هم نخرند، ولی در آمار تورم محاسبه می شوند. به هر حال، ما باید به آمارهای مرکز آمار و بانک مرکزی اعتماد کنیم. به غیر از این اگر باشد و نتوانیم به آمارهای رسمی اعتماد کنیم، دیگر «سنگ روی سنگ بند نخواهد شد». این آمارها ملی هستند و کسی نمی تواند مدعی شود که به تنهایی این آمارها را به دست می آورد. مرکز آمار و بانک مرکزی نه تنها در استان ها، بلکه در سطح شهرستان ها، نیرو دارند. این نیروها روزانه آمار قیمت کالاها و خدمات را جمع آوری و در سامانه آمار بانک مرکزی بارگذاری می کنند. برای مثال من که اهل شهرستان سراب هستم، می دانم که در این شهرستان، یک کارشناس از بانک مرکزی حاضر است و وظیفه دارد با حضور در بازار، بررسی کند قیمت کالاها و خدمات چگونه است. مرکز آمار نسبت به بانک مرکزی تعداد نمونه های بیشتری را از روستاها و شهرها جمع آوری می کند؛ بنابراین چاره ای نداریم، به جز این که به عدد و رقم های مرکز آمار اعتماد کنیم.

شاید برای ما سوال باشد که با این شرایط، ایراد کار کجاست؟ ایراد اصلی این است که وقتی آمارها اعلام می شود، بسیار کلی و معمولاً متمرکز بر یک عدد مشخص است. اما بهتر است، عددها به تفکیک

اعلام شود. البته مرکز آمار گزارش های مرتبط با تورم را هم منتشر می کند و صرفاً یک عدد تورم ارائه نمی دهد، اما پیشنهاد من این است که برای افزایش شفافیت به جای مانور دادن روی همان تک عدد تورم، ۱۰ الی پانزده عدد دیگر نیز اعلام شود. برای مثال نرخ تورم کل اقتصاد ایران، نرخ تورم به تفکیک شهر و روستا، نرخ تورم ۵ کلانشهر کشور، نرخ تورم ۱۰ قلم پر مصرف مردم، نرخ تورم اقلام مهم دارایی (طلا، دلار، مسکن، خودرو و بازار سرمایه) را می توان اعلام کرد. البته باز هم تاکید دارم که بگویم می دانم گزارش های تورم تهیه می شود و در سایت مرکز آمار نیز موجود است. اما افراد، باید با مراجعه به سایت رسمی مرکز آمار، این گزارش ها را دانلود کنند و طبعاً بسیاری از افراد این کار را نمی کنند و به همان تک عددی که رسانه ها منتشر می کنند، اکتفا می کنند. با این وجود، معتقدم برای کاهش شبیهاتی که زندقا کار عمومی ایجاد می شود، بهتر است حداقل ۱۰ عدد اعلام شود.

توصیه نگارنده به مراکز آماری این است که ترجیحاً روی یک عدد تورم مانور ندهند و با انتشار چندین شاخص تورم در کنار یکدیگر، ابهامات و شائبه ها را از بین ببرند. حس بی اعتمادی مردم به آمارهای تورمی ارائه شده، در نظرسنجی مرکز پژوهش های مجلس نیز مشهود است. ادراک مردم در آن نظرسنجی این بود که نرخ تورم، بیش از نرخ ارائه شده از سوی مرکز آمار و بانک مرکزی است. یک نکته دیگر این است که بهتر است آمارها به موقع اعلام شوند. در انتشار برخی از آمارها تاخیر وجود دارد یا به طور کامل منتشر نمی شود. تاخیر در انتشار آمارها وضعیت را بهتر نمی کند. این رفتار مثل این است که از ترس بد بودن شاخص های سلامتی، رفتن به آزمایشگاه را به تاخیر بیندازیم. این در حالیست که اگر زودتر شاخص های عدم سلامت را بدانیم، بیماری نیز زودتر درمان می شود.

سایه رکود بر بازارهای مختلف سنگینی می کند

بازارها در فاز انتظار



است. این درست است که بخش بزرگی از این بازارها (مثل مسکن) در رکود عمیقی فرو رفته و کاهش قدرت خرید شرایط رکودی را بدتر کرده، اما حتی همان اندک معامله گران هم در شرایط نوسان قیمت ارز، از بازار کنار کشیده اند. هر چند موضوع «چسبندگی قیمت» و زمان بودن تخلیه اثرات تورمی شوک نرخ ارز از خرداد سال گذشته تاکنون نیز وجود دارد و خیلی ها معتقدند کاهش قیمت ها در کالاهای مصرفی یا سرمایه ای، به راحتی شکل نمی گیرد. اما واقعیت این است که، اما این عدم ثبات در بازار ارز بازارهای دیگر را هم تحت تاثیر خود قرار داده و اغلب سرمایه گذاران برای تصمیمات خود در انتظار به سر می برند. به همین دلیل هم هست که نگاه کارشناسان، «ترجیح ثبات نرخ ارز به نوسان است.»

بازارها در فاز «انتظار» به سر می برند و معامله گران در یک شرایط «بلا تکلیفی». شرایطی آزردهنده و معلق که سایه خود را در بسیاری از بازارها گسترده کرده است. در بازار خودرو، خریداران به طور نسبی کنار کشیده اند تا تکلیف اخبار منتشر شده درباره «توافق اخیر ایران و آمریکا» مشخص شود. این وضعیت گرچه به کاهش قیمت ها هم منجر شده و خیلی ها که پول لازم هستند حاضر شده اند قیمت های پیشنهادی شان را پایین تر بیاورند؛ اما نوسان قیمت ارز این اجازه را نمی دهد که خریداران به بازار وارد شوند.

پس آن ها کنار می مانند تا وضعیت «معلق» کنونی تعیین تکلیف شود. در دیگر بازارها هم این حالت «تعطیل انتظارات» بالا گرفته

برخی کارشناسان می‌گویند «اگر نرخ ارز در یک عدد به مدت سه یا چهار سال ثابت بماند بهتر از این است که هر چند وقت یک بار با نوسان روبه‌رو شده و بار دیگر به سمت ارقام بالا یورش ببرد.» چرا که این وضعیت «فضای بلا تکلیفی را تشدید می‌کند.»

سایه رکود در بازارهای مختلف

باتوجه به افزایش نرخ ارز در نیمه دوم سال ۱۴۰۲ سایر بازارها هم متأثر از روند افزایشی نرخ دلار شدند. اما شاهد آن بودیم که این رویه در سال جدید تغییر کرد و باتوجه به بحث‌هایی که در خصوص مذاکرات با امریکا مطرح شد و رفت و آمدهایی که طرفین در کشور عمان داشتند نرخ ارز به یک‌باره افت کرد و همین مساله هم باعث رکود در بازارهای مختلف شده است. متأسفانه یکی از مهم‌ترین بحث‌ها این است که بارخ دادن این اتفاقات سیاسی پیش‌بینی‌پذیری در فضای اقتصادی از بین برود و مشخص هم نیست که این روند سه ماه طول خواهد کشید یا مساله‌ای طولانی مدت خواهد بود. همین امر باعث می‌شود افرادی که قصد خرید، فروش یا سرمایه‌گذاری در حوزه‌ای را دارند در حالت انتظار برای تصمیم‌گیری بمانند تا ببینند در روزهای آینده فضا به چه صورت خواهد شد. همه امیدوارند که دیر یا زود اتفاق خوب در زمینه لغو تحریم‌ها رخ دهد و کلیه محدودیت‌هایی که در مسیر تجارت خارجی و موضوعات بین‌المللی بوده رفع شوند، اما در صورتی که این محدودیت‌ها ادامه‌دار باشند مجدداً باید در انتظار روند افزایشی نرخ دلار و سایر بازارها حتی با سرعتی بیشتر از گذشته باشیم. همه افراد در زمان ثبات بازارها اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند به عنوان مثال در خصوص سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه یا در بازارهای دیگر هر گونه افت قیمتی منجر به منفی شدن سرمایه‌شان می‌شود که اغلب در این شرایط دو نوع تصمیم‌گیری صورت می‌گیرد؛ افرادی که صبورتر هستند و تحمل می‌کنند، می‌توانند این شرایط را به نوعی مدیریت کنند، اما برخی دیگر که پیش‌بینی زبان بیشتری می‌کنند از این بازار خارج می‌شوند. یکی از مولفه‌های مهمی که در اقتصاد باید مورد توجه قرار گیرد موضوع مربوط به قابلیت پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد در شرایط آتی است و اینکه باید این مساله را در نظر داشت که در ۳ یا ۶ ماه آینده یا حتی یک سال آینده چه اتفاقاتی ممکن است برای حوزه سیاسی و اقتصادی رخ دهد. چرا که هر گونه ابهام از اوضاع آینده

اقتصادی می‌تواند به دورنمای فرد آسیب برساند. این موضوع باعث ضرر و زیان برای سرمایه‌گذاران در هر حوزه‌ای می‌شود و ضرورت دارد افراد بتوانند برای سرمایه‌های‌شان قدرت پیش‌بینی داشته باشند.

اثر خبر درمانی بر بازارها

موضوع دیگری که بر بازارها اثر می‌گذارد، انتشار اخبار مثبت سیاسی است. مساله این است که اگر این اخبار در واقعیت رخ ندهد و گشایش جدیدی هم در کشور ایجاد نشود، هیچ اتفاق خاصی هم در حوزه اقتصادی نخواهد افتاد، اینکه یک خبری تاریخ مصرف زودگذر داشته باشد باز هم با این روند افزایشی در حوزه نرخ دلار روبه‌رو خواهیم بود، چرا که تحریم‌ها جزو عوامل بیرونی ایجاد تورم در کشور محسوب می‌شوند و بر بهای تمام شده قیمت کالاهای تولیدی تاثیر می‌گذارند و به نوعی باعث افت ارزش پول ملی و افزایش قیمت تمام شده می‌شوند. در این میان فعالان اقتصادی بر این باورند، اگر درهای تجارت خارجی به صورت کامل باز شود و در میان مدت دسترسی به منابع ارزی بیشتر شود و در حوزه صادرات مشکلات برطرف شود و موضوع سوئیفت و ارتباطات مالی بین بانکی به راحتی انجام شود مسلماً اوضاع اقتصادی هم بهبود پیدا می‌کند، اما اگر تنها بخواهیم به یک خبر مثبت سیاسی بسنده کنیم تاثیر این خبر بر بازارها بیشتر از ۱۰ روز یا یک ماه نخواهد بود. در صورتی که مشکلات و معضلات بین‌المللی رفع شود و محدودیت‌های گذشته از بین بروند مسلماً نیازمند اصلاحات از درون نظام اقتصادی‌مان هم هستیم و این نکته هم حائز اهمیت است که تنها با رفع محدودیت‌های بین‌المللی همه مشکلات کشور حل نمی‌شود و شرط دیگر اصلاحاتی است که باید در داخل کشور انجام شود تا شاهد بهبود در همه حوزه‌ها باشیم، چرا که این موارد در کنار هم و مکمل یکدیگر هستند. اما چنانچه گشایش اساسی در کشور ایجاد نشود، باز هم کماکان وضعیت نرخ دلار شبیه گذشته خواهد بود و به شرایط قبلی خود باز خواهد گشت و تاثیر اصلی را باید در واقعیت جامعه دید اینکه امکان صادرات نفت فراهم شود و امکان دسترسی به منابع ارزی وجود داشته باشد موثر است در غیر این صورت این اخبار تاثیر چندانی برای کشور ندارند.

صندوق بین‌المللی پول منتشر کرد

پیش‌بینی جدید از تورم ایران

تورم ایران کاهشی یا افزایشی؟

گزارش جدید صندوق بین‌المللی پول، بیانگر آن است که اقتصاد ایران، بعد از پشت سر گذاشتن رشد ۲٫۵ درصدی در سال ۲۰۲۲ میلادی (۱۴۰۱)، در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ میلادی رشد ۲ درصدی را تجربه می‌کند که در مقایسه با میانگین رشد اقتصادی جهان، کشورهای خاورمیانه و اقتصادهای نوظهور منطقه، رشد

صندوق بین‌المللی پول گزارش جدیدی از پیش‌بینی تورم ایران در سال‌های پیش‌رو منتشر کرد. صندوق بین‌المللی پول با اشاره به تورم ۴۹ درصدی ایران در سال ۲۰۲۳، اعلام کرد: انتظار می‌رود تورم ایران در سال‌های پیش‌رو به ۴۲ و سپس ۳۰ درصد برسد. بر این اساس، در بین کشورهای آسیایی طی سال‌های مذکور، تنها ترکیه نرخ تورم بالاتری از ایران خواهد داشت.



کمتری است. اما پیش‌بینی رشد اقتصادی بالای کشورهای هند و چین به عنوان دو مصرف‌کننده بزرگ انرژی و نفت، می‌تواند نشانه‌های مثبتی برای چشم‌انداز صادرات نفت، انرژی و به طور کلی تجارت ایران با این کشورها باشد، چرا که اخیراً شاهد ارتقای روابط ایران با کشورهای مذکور، ذیل موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای همچون سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه گمرکی اوراسیا بوده‌ایم. انتظار می‌رود که در سال ۲۰۲۳ میلادی، نرخ تورم جهانی در بیش از ۷۶ درصد از اقتصادهای جهان روند نزولی داشته و ارقام پایین‌تری را نسبت به سال قبل تجربه کنند. در این بین، تورم اغلب کشورهای خاورمیانه، از جمله ایران نیز کاهشی پیش‌بینی می‌شود. تورم ایران که برای سال ۲۰۲۳ عدد ۴۹ درصد اعلام شده، انتظار می‌رود در سال‌های پیش رو یعنی ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ به ۴۲ و سپس ۳۰ درصد برسد. بر این اساس، در بین کشورهای آسیایی طی سال‌های مذکور تنها ترکیه نرخ تورم بالاتری از ایران خواهد داشت.

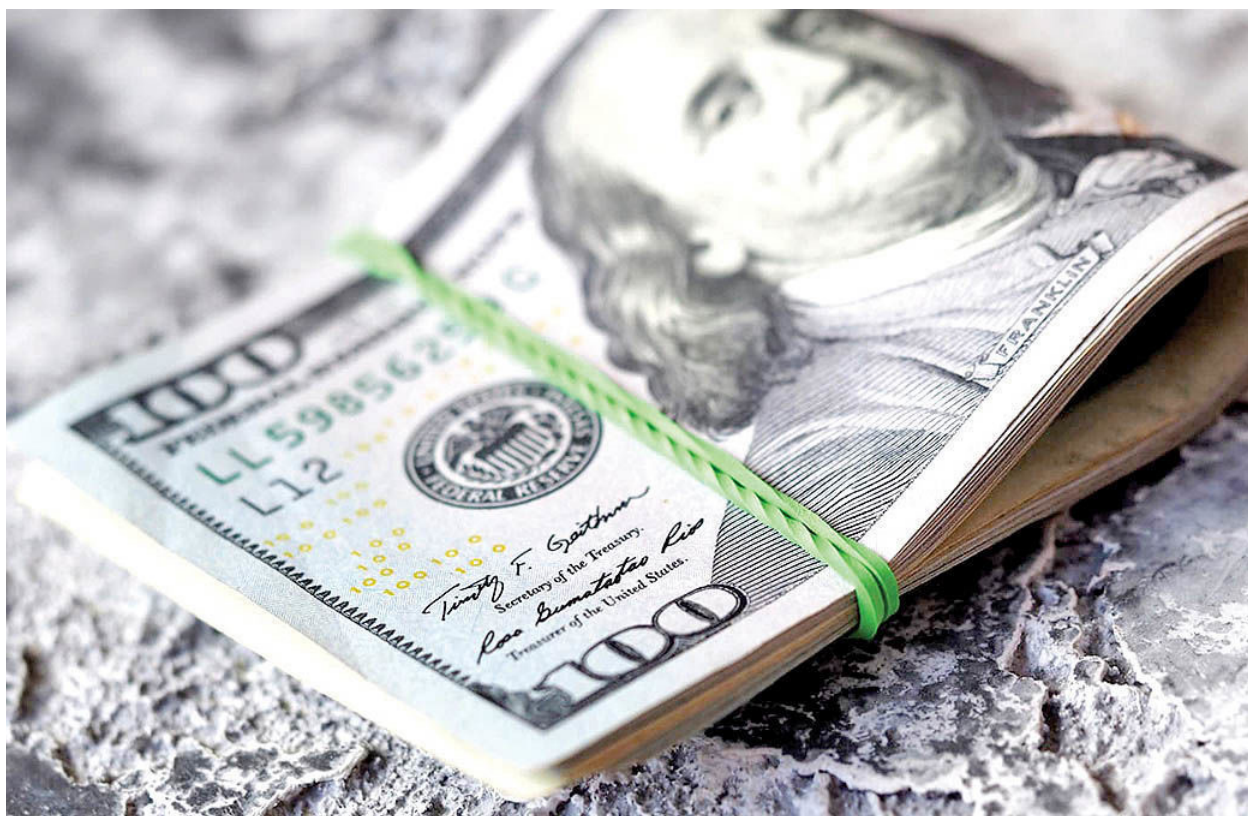
در ادامه این گزارش آمده است: قیمت نفت خام (میانگین ساده قیمت نفت خام برنت انگلستان، فاتح دبی، پست تگزاس اینترمدیت) که در سال ۲۰۲۲ میلادی ۹۶،۳۶ دلار در هر بشکه را تجربه کرده بود؛ بر اساس سنجش بازارهای آتی، انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۲ میلادی به ۷۳،۱۳ و در سال ۲۰۲۴ میلادی به ۶۸،۹۰ دلار در هر بشکه برسد. در عین حال، در دو سال آتی، قیمت نفت به ترتیب ۲۴،۱ و ۵،۸ درصد کاهش می‌یابد. این کاهش از منظر اقتصاد ایران با توجه به وابستگی حدود ۳۰ درصدی بودجه سال جاری به نفت، می‌تواند حائز اهمیت باشد. همچنین، تراز حساب جاری که شامل خالص صادرات کالا و خدمات (صادرات پس از کسر واردات)، خالص درآمدهای سرمایه‌گذاری شده و خالص تراکنش‌های جاری مالی است، برای ایران در سال‌های اخیر منفی بوده اما در سال ۲۰۲۲ با یک جهش به ۴،۷ درصد از تولید ناخالص داخلی رسید و انتظار می‌رود برای سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ میلادی همچنان مثبت بماند و به ترتیب به ۱،۸ و ۱،۹ درصد برسد. این داده‌ها حاکی از بهبود نسبی اوضاع تجاری کشور نسبت به سال‌های اخیر است؛ هرچند روند کاهشی این شاخص در سال‌های آینده حاکی از کاهش سرعت بهبود تجاری خواهد بود. این تراز برای کشورهای خاورمیانه در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳



میلادی به ترتیب ۳،۶ و ۲،۱ درصد برای اقتصادهای در حال توسعه ۰،۳ و صفر درصد از تولید ناخالص داخلی پیش‌بینی شده است. منتخبی از اولویت‌های سیاستی که از طرف صندوق بین‌المللی پول پیشنهاد شده و به نظر می‌رسد برای ایران مفید است، عبارتند از: «تضمین کاهش پایدار تورم، اتخاذ سیاست‌های پولی ثابت اما در دسترس، شفاف کردن ارتباط بین اهداف و پاسخ‌های سیاست‌های بانک مرکزی، عدم کاهش نرخ بهره سیاستی، قبل از اینکه فشار تورم کاهش یابد، حفظ ثبات مالی و به حداقل رساندن ریسک‌های مالی، تقویت نظارت در بخش مالی غیربانکی، مقابله با نوسانات ارزی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، تقویت عرضه از طریق اصلاح ساختارها، تشویق سرمایه‌گذاری زیرساخت‌ها و تقویت همکاری‌های چندجانبه.»

بازار به کدام سمت می‌رود؟

احتمالات دلاری در آینده



جامعه به بازار ارز گره خورده است. هر گونه تغییر صعودی یا کاهشی نرخ ارز تأثیرات شگرفی را بر بازارهای مالی بر جای خواهد گذاشت و ریزترین تادرشت‌ترین حوزه‌های اقتصادی کشور را متاثر می‌کند. به جرات می‌توان مدعی شد، در مقطع کنونی مهم‌ترین پرسش برای عموم جامعه این است که در سال ۱۴۰۲ چه اتفاقاتی در بازار ارز خواهد افتاد؟

قیمت ارز در بازار ارزان یا گران نیست و در صورتی که سیاستگذار تصمیمات عجیبی همچون تثبیت نرخ ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی را

تغییرات بازار ارز طی سال‌های گذشته دو نکته را اثبات می‌کند؛ اول این که تغییرات در نرخ‌ها تکانشی و با چرخه‌های کوتاه مدت بوده و دوم این که، نرخ ارز در ایران بیشتر متأثر از متغیرهای فرااقتصادی (غیر اقتصادی) بوده است. یک حقیقت مهم این است که هموار چوب سیاست لای چرخ بازار مالی قرار گرفته و نرخ‌ها را متأثر ساخته است. افزایش نرخ ارز طی سال‌های گذشته، به ویژه در سال ۱۴۰۱، تأثیرات عمیقی را بر زندگی و معیشت شهروندان ایرانی بر جای گذاشت. حقیقت غیر قابل انکار این است که زندگی اکثریت قریب به اتفاق

برای تمام کالاها اتخاذ نکند، دوره جهش‌های ارزی سال‌های ۹۷ تا ۹۹ گذشته است و بازار ارز به سمت جهش‌های ریزتر و نزدیک به هم حرکت می‌کند.

بازار ارز در ایران خردادماه نوسانات کاهشی را تجربه کرد. در همین راستا، برخی از تحلیلگران اعتقاد دارند که این اتفاق ناشی از سرکوب قیمت ارز و جمع‌شدن فنر ارزی است و برخی آن را ناشی از پیش‌خور شدن توافق هسته‌ای ایران می‌دانند و از نظر بنیادین توجیهاتی برای این منظور دارند. به‌منظور درک درست مکانیزم بازار ارز، ابتدا باید تحلیلی نسبت به متغیرهای بازار ارز در شرایط عدم توافق هسته‌ای کشور داشت؛ زیرا در صورت توافق هسته‌ای بازگشت قیمت ارز به محدوده ۴۰ تا ۴۵ هزار تومان و تثبیت آن برای حداقل یک سال دور از انتظار نیست. اگر سال پایه را ۸۱ یا ۹۱ در نظر بگیریم (در آن سال‌ها درآمدهای نفتی ایران کم بود) و براساس تورم ایران و آمریکا قیمت دلار را در بازار داخلی تعدیل کنیم، ارزش دلار براساس برابری قدرت خرید در محدوده ۴۰ تا ۴۵ هزار تومان قرار می‌گیرد. اما از آنجا که بخشی از دلارهای کشور در سامانه نیما با قیمت حدود ۳۸ هزار تومان و بخشی دیگر با قیمت ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان به فروش می‌رود، میانگین قیمت ارز در بازار آزاد نیز باید افزایش پیدا کند و در محدوده‌های بالای ۴۵ هزار تومان قرار گیرد. مجموعه این پارامترها به ما نشان می‌دهد، قیمت ارز در بازار ارزان یا گران نیست و در صورتی که سیاستگذار تصمیمات عجیبی همچون تثبیت نرخ ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی را برای تمام کالاها اتخاذ نکند، دوره جهش‌های ارزی سال‌های ۹۷ تا ۹۹ گذشته است و بازار ارز به سمت جهش‌های ریزتر و نزدیک به هم حرکت می‌کند. قیمت ارز در سال گذشته بعد از نزدیک به دو سال و سه ماه سقف خود را در محدوده ۳۲ هزار تومان شکست و بعد از یک‌روند افزایشی در محدوده ۶۰ هزار تومان متوقف شد.

این جهش ارزی بعد از حدود ۲ سال رخ داد و با توجه به تصویب دلار ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی و مشکلات ناشی از آن، قیمت دلار بسیار بالاتر از ارزش واقعی آن معامله شد (همچون اتفاقی که برای دلار ۴۲۰۰ تومانی رخ داد و قیمت آن تا محدوده ۱۹ هزار تومان نیز افزایش یافت و بعد از بازگشایی نیما، نرخ آن کاهش پیدا کرد).

بیش جهش قیمت ارز سبب شد دولت برای تثبیت یا ایجاد تعادل در بازار برای نزدیک به یک سال باز شود و همان‌طور که می‌بینید قیمت ارز از سقف خود نزدیک به ۲۰ درصد اصلاح شده است و بسیار بعید است که این سقف تا پایان تابستان شکسته شود. درآمدهای ارزی کشور به دلیل آنکه ناشی از فروش مواد خام است، عمدتاً وابسته به قیمت‌های جهانی تغییر می‌کند و جریان نسبتاً ثابتی در طول سال دارد؛ اما تقاضاهای ارزی به این شکل نیست. روند تقاضاهای ارزی در ایران نشان می‌دهد که تا اواسط تابستان، تقاضاهای ارزی در کف قرار دارند و از انتهای تابستان تا اواسط زمستان، فصل ثبت سفارش‌ها و التهابات ارزی است. از همین رو عمده تنش‌های ارزی کشور در طول آبان ماه رخ داده و عمده کاهش قیمت‌ها بعد از اردیبهشت ماه به وقوع پیوسته است.

در نگاه اول می‌توان امسال همچون سال‌های گذشته، انتهای بهار و ابتدای تابستان را کف تقاضای ارزی سال برآورد کرد. از همین رو اخبار مرتبط با توافق هسته‌ای توانست قیمت دلار در بازار آزاد را تا محدوده ۴۵ هزار تومان نیز کاهش دهد و در صورتی که دلار در بازار تک‌نرخی بود، احتمالاً شاهد کاهش بیش از پیش آن نیز می‌شدیم. با این حال بعید است که قیمت دلار تا پایان تابستان جهشی داشته باشد. مهرماه امسال موعد رسیدن به بند غروب برجام است. بعد از این تاریخ ایران می‌تواند برنامه موشکی و پهپادی خود را توسعه دهد و دستش برای توسعه صادرات و واردات فناوری بازتر می‌شود؛ بنابراین به نظر می‌رسد موعد نهایی رسیدن به توافق توسط طرفین در پایان تابستان است. در صورتی که به هر دلیلی ایران و غرب به توافق جدید نرسند، احتمال بازگشت غرب به مکانیزم ماشه و فروپاشی کامل برجام بسیار زیاد است. با توجه به اینکه مهم‌ترین فاکتور در تعیین قیمت ارز، تحریم‌های هسته‌ای است، بازار ارز کشور نیز تا زمانی که تکلیف این توافق مشخص نشود، جهت‌گیری خاصی نخواهد داشت و در فاز اغما می‌ماند. سیاستگذار نیز می‌تواند در این دوره با توجه به تقاضاهای محدود ارزی، ثبات را در بازار ایجاد کند و قیمت دلار را در محدوده ۵۰ هزار تومان نگه دارد. هرگونه افزایش قیمت ارز و رسیدن به محدوده سقف قبلی در صورت عدم توافق هسته‌ای و در نیمه دوم سال محتمل است.

دلیل دودعه ناکامی بازرگانی خارجی واکاوی شد

اثر کنترل دلار بر تجارت خارجی

تأثیر منفی کنترل دلار بر کسری تراز تجاری گمرکی، در کوتاه مدت اصلاح نمی شود. به گزارش مرکز پژوهش های مجلس، در طول دهه های گذشته، علی رغم دغدغه مسئولین در زمینه وضعیت تراز تجاری کشور، سیاست های اعمال شده در رابطه با نرخ ارز با اهداف در نظر گرفته شده برای ارتقای بخش بازرگانی خارجی کشور سازگاری نداشته است. در واقع به دلیل رابطه مستقیم بین نرخ ارز حقیقی و تراز تجاری، از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۸۹ روند نرخ ارز حقیقی کشور همواره نزولی بوده است و این امر زمینه افزایش مستمر کسری تراز تجاری را فراهم آورده است. با این حال هر چند از سال ۱۳۹۰ علی رغم وجود نوسانات، به طور میانگین روند نرخ ارز حقیقی افزایشی بوده و همزمان کسری تراز تجاری کشور به تدریج کاهش یافته است، اما پس از تشدید تحریم ها با اینکه همراه با افزایش نرخ ارز حقیقی، صادرات چندان افزایش نیافته و واردات نیز کاهش زیادی را تجربه نکرده است.



رابطه نرخ ارز حقیقی و تراز تجاری

رابطه بین نرخ ارز و تراز تجاری را می توان بر مبنای مدل های اقتصادی مختلفی مانند «مدل کشش ها»، «مدل جذب»، «شرط مارشال لرنر» و «مدل منحنی J» توضیح داد. بر مبنای این مدل ها، چنانچه حجم صادرات و واردات یک کشور به اندازه کافی نسبت به تغییرات نرخ ارز واقعی واکنش پذیر باشد، آنگاه در بلندمدت تضعیف ارزش پول، موجب بهبود تراز تجاری کشور خواهد شد و بالعکس تقویت ارزش پول ملی، باعث کاهش تراز تجاری خواهد شد. چنانچه ظرفیت اضافی تولید در اقتصاد وجود داشته باشد، افزایش نرخ ارز حقیقی یا کاهش ارزش پول ملی با افزایش عرضه در اقتصاد منجر خواهد شد. افزایش عرضه در اقتصاد از طریق افزایش تولید برای صادرات و افزایش تقاضا برای کالاهای جانشین (به دلیل گران تر شدن واردات) حادث خواهد شد، اما اگر کاهش ارزش پول نتواند به بهبود سمت عرضه اقتصاد کمک رساند، باید با کاهش جذب (واردات) همراه باشد تا بتواند به تعدیل حساب های خارجی بینجامد. در مقابل، کاهش نرخ حقیقی ارز از طریق کاهش رقابت پذیری کالاهای صادراتی در مقابل رقبای خارجی و همچنین، کاهش قیمت نسبی کالاهای وارداتی در مقابل کالاهای داخلی، به تضعیف تراز تجاری منجر خواهد شد. لذا حفظ و یا ارتقای نرخ ارز حقیقی اثر مثبت و کاهش آن اثر منفی بر تراز تجاری کشور خواهد داشت.

روند صادرات و واردات

طی دهه ۱۳۸۰ شمسی سیاست ها و راهکارهای متعددی برای تشویق صادرات به اجرا گذاشته شد. در این دوره مواردی از قبیل؛ افزایش حضور ایران در بازارهای بین المللی، گسترش تنوع کالاهای صادراتی و اضافه شدن خدمات به سبد صادراتی کشور و همچنین بهبود مناسبات سیاسی، فضای مناسبی را برای ارتقای صادرات گمرکی کشور پدید آورد. در این راستا، اتخاذ سیاست های تجاری جهت گسترش صادرات در کنار ثبات و آرامش بازار ارز در نتیجه اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز موجب شد تا در دهه ۱۳۸۰ روند صادرات گمرکی کشور همواره صعودی

باشد. با آغاز دهه ۱۳۹۰ افزایش نااطمینانی در نرخ ارز، نرخ رشد صادرات کشور نسبت به دهه قبل از آن کاهش محسوسی داشته و به طور کلی میزان صادرات کشور در دهه مذکور با نوسان بسیار زیادی همراه بوده است.

در این زمینه، مسلماً یکی از علل اصلی افزایش نوسان در نرخ رشد صادرات، افزایش نوسانات نرخ ارز در دوره دوم بوده است. روند واردات گمرکی در طول دهه ۱۳۸۰ عموماً صعودی بوده است. افزایش درآمدهای ارزی و اعمال سیاست تثبیت نرخ ارز، در کنار کاهش بسیاری از محدودیت های اعمال شده بر واردات و اتخاذ سیاست های سهل گیرانه تر، رشد چشمگیر واردات طی دهه ۱۳۸۰ را موجب شده است. با این حال از آغاز دهه ۱۳۹۰ واردات کشور روند نزولی را به خود گرفته است.

مقایسه دو دهه ۸۰ و ۹۰ نشان می دهد که در هر دو دوره متوسط واردات سالیانه بیشتر از میزان صادرات بوده است. با این حال میزان کسری تراز تجاری در دهه ۹۰ به نسبت کاهش یافته است. در دهه ۹۰ به طور متوسط سالیانه شاهد ۹ میلیارد دلار کسری بوده ایم که مقایسه آن با متوسط کسری ۲۹ میلیارد دلاری در دهه ۸۰، نشانگر این است که در دوره دوم تراز تجاری کشور بهبود یافته است.

اثرگذاری سیاست های ارزی بر صادرات و واردات

با توجه به گسترش رانتهای ناشی از چند نرخ بودن ارز و فاصله بیش از ۴.۵ برابری نرخ ارز بازار آزاد از نرخ رسمی در آغاز دهه ۱۳۸۰ شمسی، موضوع یکسان سازی نرخ ارز به عنوان یک دغدغه جدی در محافل اقتصادی مورد بحث قرار گرفت. در این راستا، بهبود نسبی وضعیت درآمدهای نفتی زمینه مناسبی برای اجرای سیاست تک نرخ ارز تلقی می شد و بر این مبنای سال ۱۳۸۱ سیاستگذاران همراه با اتخاذ نظام ارزی شناور مدیریت شده، سیاست یکسان سازی نرخ ارز را در پیش گرفتند. اتخاذ این سیاست تا حدود یک دهه موجب یکسان سازی نرخ ارز در اقتصاد کشور شد و بانک مرکزی به عنوان رهبر در بازار ارز با تأمین ارز تمامی متقاضیان براساس نرخ رسمی توانست نرخ ارز را تا حد زیادی تثبیت کند.

از کالاها، می‌تواند به عنوان یکی از علل کاهش کسری تراز تجاری در دوره دوم مطرح شود.

تقابل تاثیر تحریم‌ها و نرخ ارز بر تجارت خارجی

در سال‌های اخیر تشدید تحریم‌های بین‌المللی بیش از هر موضوع دیگری عملکرد اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار داده است. در این زمینه، علاوه بر تحریم‌های تجاری، و محدودیت‌هایی در زمینه صادرات و واردات، تحریم‌های مالی نیز با جلوگیری از انجام معاملات مالی، نقل و انتقالات پول و سرمایه‌گذاری، بخش تجارت خارجی کشور را متأثر ساخته است. بر این اساس افزایش تحریم‌ها هزینه مبادلات تجاری کشور را افزایش داده است. در عمده سال‌های قبل از تشدید تحریم، سیاست تثبیت نرخ ارز اسمی، سیاست اصلی اتخاذ شده در رابطه با وضعیت بازار ارز کشور بوده است. سیاستی که با توجه به رشد بالای نقدینگی در

در دهه ۹۰، تثبیت نرخ ارز اسمی، کاهش مستمر نرخ ارز حقیقی را در پی داشته است. درواقع ثابت نگه داشتن نرخ ارز اسمی بدون توجه به بی‌انضباطی نقدینگی و افزایش تورم داخلی، دلیل اصلی کاهش نرخ ارز حقیقی در دوره اول بوده است. این وضعیت در تقابل با سیاست‌های ارزی اعلامی در برنامه‌های توسعه قرار دارد. در برنامه چهارم و پنجم توسعه بر افزایش رقابت‌پذیری اقتصادی تأکید شده و بهبود وضعیت تراز تجاری مدنظر سیاستگذاران بوده است. بر این اساس نرخ ارز حقیقی متغیری بود که باید جهت هماهنگ‌سازی سیاست‌های ارزی برای تحقق هدف بهبود تراز تجاری مبنا قرار می‌گرفت. بنابراین باید تعدیلات نرخ ارز اسمی بر مبنای تفاوت تورم داخلی و خارجی، اعمال می‌شد. درواقع، چنانچه سیاستگذار قصد حفظ تراز تجاری را دارد تعدیل نرخ ارز اسمی برابر با تفاوت تورم داخل و خارج سیاست بهینه بوده و چنانچه قصد افزایش تراز تجاری را داشته باشد، باید تعدیلات نرخ ارز اسمی به میزانی بیش از تفاوت تورم داخلی و خارجی اعمال شود.

اما در عمل نگرانی از افزایش نرخ ارز اسمی و عبور آن به نرخ تورم داخلی موجب شده است که در تمام سال‌های دوره اول، تثبیت نرخ ارز اسمی در اولویت قرار گیرد. چنین راهکاری با پایین نگه داشتن غیرواقعی نرخ ارز اسمی، به کاهش نرخ ارز حقیقی منجر شده و در نهایت بر خلاف هدف اولیه بهبود تراز تجاری در برنامه‌های چهارم و پنجم، با تضعیف صادرات و ترغیب واردات به تشدید کسری تراز تجاری دامن زده است. بنابراین ملاحظه می‌شود که هرچند در برنامه‌های توسعه بر بهبود وضعیت تراز تجاری تأکید شده است، اما عملاً این هدف هیچگاه در اولویت نبوده و نگرانی از افزایش تورم موجب شده تا مقامات پولی، علی‌رغم داشتن دغدغه در زمینه گسترش صادرات غیر نفتی، همواره تثبیت نرخ ارز اسمی را در دستور کار قرار دهند.

اما در دهه ۹۰ و همزمان با کاهش قدرت مقامات بانک مرکزی برای تثبیت نرخ ارز اسمی، نرخ ارز حقیقی با وجود نوسانات دوره‌ای به طور متوسط افزایش یافته است. این موضوع در کنار محدودیت‌های قانونی واردات و عدم تخصیص ارز بر واردات برخی



کشور، به کاهش نرخ ارز حقیقی منجر شده است. پس از تشدید تحریم ها به تدریج قدرت بانک مرکزی برای کنترل بازار ارز کاهش یافته و نرخ ارز حقیقی در دوره زمانی پس از تحریم به طور متوسط افزایش یافته است.

بر مبنای ادبیات موجود در رابطه با اثرگذاری نرخ ارز حقیقی بر صادرات و واردات کشور، انتظار می رود که افزایش نرخ ارز حقیقی، افزایش صادرات و کاهش واردات را در پی داشته باشد.

بر این مبنا هرچند مطابق انتظار افزایش نرخ ارز حقیقی افزایش صادرات برخی از گروه ها را در پی داشته، اما در رابطه با برخی دیگر از گروه ها، میزان صادرات کاهش یافته است. چنین نتیجه ای این امر را متذکر می شود که افزایش نرخ ارز حقیقی تنها یکی از علل افزایش رقابت پذیری کالاهای صادراتی است و مواردی از قبیل؛ وارداتی بودن برخی از مواد اولیه، مشکلات متعدد ناشی از تحریم های خارجی و مبادلات بانکی، نامساعد بودن محیط کسب و کار، عدم بهره مندی بنگاه ها از فعالیت های تحقیق و توسعه و ممنوعیت ها و محدودیت های صادراتی از جمله عواملی هستند که بر رقابت پذیری محصولات تجاری کشور به شکل منفی اثرگذار هستند. ضمن اینکه افزایش نرخ ارز حقیقی پس از تحریم با افزایش نوسانات و نااطمینانی همراه بوده است؛ که این موضوع خود به عنوان یک عامل اساسی منفی، بخش تجارت خارجی و به ویژه صادرات کشور را متاثر ساخته است.

در رابطه با اثرگذاری نرخ ارز حقیقی بر واردات نیز انتظار می رود که افزایش نرخ ارز حقیقی به کاهش واردات منجر شود. با این حال در دوره زمانی پس از تحریم، تنها ۴ گروه با کاهش واردات روبرو شده اند و در مقابل میزان واردات در ۱۶ گروه باقیمانده، افزایش یافته است. این نتیجه دربردارنده این پیام است که هرچند افزایش نرخ ارز حقیقی به عنوان یک عامل اساسی در تضعیف واردات و تقویت مزیت رقابتی کالاهای داخلی نقش دارد؛ اما ناکارآمدی سیاست های تجاری و پایین بودن مزیت نسبی برخی از محصولات داخلی نیز از جمله مواردی هستند که میزان واردات کشور را متأثر ساخته و موجب می شوند علی رغم افزایش نرخ ارز حقیقی، میزان محصولات وارداتی به کشور همچنان بالا باشد.

گروه کالایی	قبل از تحریم (۱۳۸۹-۱۳۷۹)	بعد از تحریم (۱۴۰۰-۱۳۹۰)	تغییرات (%)
حیوانات زنده	۴۱۶.۳	۱۰۳۰.۳	۱۴۷.۴
محصولات نباتی	۲۳۰۳.۱	۳۵۹۱.۰	۵۵.۹
چربی ها و روغن حیوانی	۷۱۱.۳	۶۴.۱	-۹۰.۹
محصولات صنایع غذایی	۱۰۸۷.۱	۱۳۳۲.۵	۲۲.۶
محصولات معدنی	۳۱۱۲.۴	۱۰۵۷۲.۳	۲۳۹.۶
محصولات صنایع شیمیایی	۳۰۲۴.۱	۵۹۱۱.۵	۹۵.۴
مواد پلاستیکی	۱۷۱۴.۲	۴۹۱۹.۵	۱۸۶.۹
پوست خام و چرم	۲۸.۹	۱۲۱.۹	۳۲۱.۲
چوب و اشیای چوبی	۲۷۶.۳	۴۶۰.۹	-۸۳.۳
خمیر چوب یا سایر مواد الیافی	۷۵۸.۱	۸۴.۶	-۸۸.۸
مواد نسجی و مصنوعات	۹۱۸.۸	۹۸۹.۸	۷.۷
انواع کفش	۲۸.۲	۹۹.۱	۲۵۰.۴

گروه کالایی	قبل از تحریم (۱۳۸۹-۱۳۷۹)	بعد از تحریم (۱۴۰۰-۱۳۹۰)	تغییرات (%)
حیوانات زنده	۴۲۳.۷	۹۹۱.۳	۱۳۳.۹
محصولات نباتی	۲۳۸۶.۲	۶۹۶۶.۴	۱۸۰.۱
چربی ها و روغن حیوانی	۷۸۰.۸	۱۴۹۳.۹	۹۱.۳
محصولات صنایع غذایی	۱۱۳۷.۱	۲۳۳۸.۵	۹۶.۸
محصولات معدنی	۳۱۰۰.۱	۷۶۰.۹	-۷۵.۴
محصولات صنایع شیمیایی	۳۳۸۱.۱	۵۴۰۹.۵	۶۴.۸
مواد پلاستیکی	۱۸۲۷.۱	۲۵۷۴.۹	۴۰.۹
پوست خام و چرم	۱۳.۵	۱۱.۲	-۱۷
چوب و اشیای چوبی	۲۸۴.۳	۵۸۰.۶	۱۰۴.۱
خمیر چوب یا سایر مواد الیافی	۸۴۲.۳	۱۲۶۶.۱	۵۰.۳
مواد نسجی و مصنوعات	۸۳۸.۸	۱۳۶۸.۷	۶۱.۲
انواع کفش	۱۳.۵	۱۷.۱۰	۲۶.۳
مصنوعات از سنگ	۳۲۵.۳	۴۲۹.۳	۳۱.۹
مروارید و سنگ های گرانیتها	۲۴۸.۷	۱۱.۴	-۹۵.۳
فلزات معمولی	۶۴۵۸.۷	۴۳۸۵.۵	-۲۲
ماشین آلات و وسایل مکانیکی و ادوات برقی	۱۰۲۲۲.۸	۱۲۷۷۶.۸	۲۴.۹
وسایل نقلیه زمینی و هوایی	۲۴۲۳.۱	۲۶۱۰.۲	۷.۷
دستگاه های اپتیک و عکاسی	۹۴۱.۲	۱۳۸۹.۳	۴۷.۶
کالاها و مصنوعات دیگر	۱۷۵.۷	۲۴۶.۵	۴۰.۲
اشیاء هنری، کلکسیون	۱۵۳۱.۵	۱۸۵۳.۳	۲۱

گروه کالایی	قبل از تحریم (۱۳۸۹-۱۳۷۹)	بعد از تحریم (۱۴۰۰-۱۳۹۰)	تغییرات (%)
مصنوعات از سنگ	۳۱۸.۵	۸۸۹.۹	۱۷۹.۳
مروارید و سنگ های گرانیتها	۲۴۸.۵	۱۶۵.۳	-۳۳.۴
فلزات معمولی	۶۱۲۰.۹	۵۱۵۶.۰۵	-۱۵.۷
ماشین آلات و وسایل مکانیکی و ادوات برقی	۹۳۴۱.۹	۸۴۰.۱	-۹۱
وسایل نقلیه زمینی و هوایی	۲۱۶۱.۸	۳۶۰.۳	-۸۳.۳
دستگاه های اپتیک و عکاسی	۸۶۰۰.۸	۴۲.۱	-۹۵.۱
کالاها و مصنوعات دیگر	۱۷۶.۱	۹۴.۷	-۴۶.۲
اشیاء هنری، کلکسیون	۱۵۳۱.۵	۲۷.۷	-۹۸.۱

منبع: یافته های پژوهش.

اندر حکایت مالیات ستانی در ایران



مرتضی افقه
اقتصاددان

به طور معمول دولت‌ها در شرایط کسری بودجه ۳ منبع دارند. یا از بانک مرکزی پول می‌گیرند، یا از مردم که اوراق بخرند یا از خارج وام می‌گیرند که هر ۳ مورد به بن‌بست رسیده است. دولت محل درآمدهای خود را احتمالاً در سال دیگر تمام می‌کند مثلاً

مولدسازی که فروختن اموال دولت است. دولت اگر نتواند از مالیات بودجه را تامین کند، ناچار می‌شود دوباره به بانک مرکزی متصل شود و به تورم دامن بزند. اما مساله‌ای که وجود دارد این است که افزایش مالیات توسط دولت برای جبران کسری بودجه با اما و اگرهای بسیاری مواجه است. جامعه از یک سو این اقدام را ناتوانی دولت در تامین کسری بودجه و فشار به مردم می‌داند، از سوی دیگر پول دریافتی توسط دولت آنچنان که باید و شاید در خدمات دولت بروز و ظهور ندارد و مردم نتیجه واقعی مالیات را نمی‌بینند. درباره توجیه افزایش مالیات از سوی دولت، برای اینگونه موارد و دست بردن در جیب مردم به کشورهای توسعه یافته استناد می‌شود و اقتصاددانان بازار آزاد نیز این توجیهات را می‌آورند. اما متأسفانه نه آن اقتصادخوانده‌ها و نه مجریان سیاسی، آن طرف قضیه را نمی‌گویند، که آنجا سطح رفاه نیز متناسب با مالیات‌ها بالاست. اگرچه مردم در کشورهای مختلف از مالیات اذیت می‌شوند، اما از خدمات دولت راضی هستند. البته پیش از اینکه در سالجاری، دولت به خاطر کسری بودجه به مردم فشار بیاورد هم مالیات‌ها از بین می‌رفت. دولت هزینه‌های بسیار زیادی دارد که هیچ سودی به کشور نمی‌رساند و حتی خدمات را گسترش نمی‌دهد. از طرف دیگر سیستمی که دولت برای کارکنان و مدیران خود ایجاد کرده است، چون بر اساس شایسته‌سالاری نیست، نظام اداری و اجرایی بهره‌وری بسیاری پایینی دارد. مردم هزینه ناکارآمدی دولت را با مالیات پرداخت می‌کنند. از سوی دیگر، آقایان مدعی بودند که بدون

وصل کردن سفره مردم به تحریم‌هایی توانند کشور را اداره کنند، الان مشخص شد منظورشان دست بردن در جیب مردم با افزایش مالیات است. افزایش نرخ‌ها و پایه مالیاتی، تنها سفره مردم بیشتر به تحریم متصل شد. به دلیل تحریم‌ها و ناکارآمدی‌های دولتی در تولید در سال آینده حتماً سطح مالیات نیز کاهش پیدا می‌کند. وقتی بخش تولید نتواند تولید کند مالیات نیز پرداخت نمی‌کند. دولت امسال شاید افزایش درآمد داشته باشد اما چون رفتارهای مالیاتی منجر به کاهش درآمد مردم می‌شود سال آینده این میزان مالیات کاهش می‌یابد. به نظر من افزایش مالیات یک پروژه شکست خورده است. مساله‌ای دیگری وجود دارد این است که محل مصرف نادرست مالیات‌ها و عدم بروز عمومی مثبت آن است. بخش قابل توجهی از مالیات‌ها به دلیل ناکارآمدی‌ها هدر می‌رود. در کشورهای پیشرفته چون یک نظام انتخابات آزاد حاکم است، سلیقه اکثریت حاکم است و مالیات‌ها برای اکثریت خرج می‌شود، اما چون اقلیت رای دهنده در دولت حاکم هستند از اکثریت مالیات می‌گیرند. نه تنها مالیات‌ها هدر می‌رود، بلکه مصرف انجام سلیقه گروه خاصی می‌شود که الزاماً با سلیقه اکثریت همسو نیست. با ادبیات دینی خودشان هم اگر بخواهیم بحث کنیم، این پول حق الناس است.

چالش اصلی بخش خصوصی چیست؟



مهرردادعباد
عضو هیات
نمایندگان اتاق تهران

اتاق بازرگانی نهادی است که اگر چه حافظ منافع بخش خصوصی است، اما به طور غیرمستقیم حافظ منافع ملی نیز هست. یکی از کارکردهای اتاق در ادوار گذشته هم نقد سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها بوده، اما در عین حال در بحران‌های اقتصادی کمک حال دولت نیز بوده است. در این میان اما برخی گروه‌ها، که طرفدار سیاست‌های دولتی در اقتصاد هستند و این سیاست‌ها به نفع آنها است؛ استقلال نهاد اقتصادی که سیاست‌های دولت را نقد کند و زیر ذره‌بین ببرد را بر نمی‌تابند. بنابراین گاهی اوقات شاهد برخی حمله‌ها علیه بخش خصوصی هستیم. اما آنچه مهم است اینکه اتاق بازرگانی در جهت تقویت اقتصاد ملی و در دفاع از منافع ملی عمل می‌کند و باید کیان اتاق و استقلال آن حفظ شود. با این حال باید نحوه تعامل بخش خصوصی با دولت و دیگر قوا به گونه‌ای باشد که به پیشبرد خواسته‌های بخش خصوصی بیانجامد و تا جایی که ممکن است تضاد آرا منجر به یک نتیجه مثبت شود. اتاق ایران طبق قانون، مشاور سه قوه است و می‌تواند نظرات کارشناسی و مشورتی خود را ارائه دهد. از این رو، انتظار می‌رود، اتاق ایران و تهران قدرتمندتر از گذشته در این مسیر جلو روند و با قوای سه‌گانه ارتباط خوبی برقرار کرده و در مقام مشاور قدرتمند قوای سه‌گانه ظاهر شوند و از این طریق، برای رفع محدودیت‌های داخلی که فضای کسب و کار را به شدت تحت تأثیر قرار داده، رایزنی و همکاری کنند. به عبارتی دقیق‌تر، بخش خصوصی باید بتواند ضمن مشورت دهی به دولت، تعامل خود را با دو قوای دیگر، یعنی نهاد قانون‌گذار و قوه قضائیه نیز بیشتر کند. چرا که طیفی از مسائل بخش خصوصی در ارتباط و تعامل با این دو قوه حل و فصل خواهد شد. از سوی دیگر، نشستهای اتاق با دولتی‌ها مثل شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی باید گسترش پیدا کند. اتاق ایران و دولت در صحنه اقتصادی باید در کنار هم باشند؛ بدون شک بین دخالت و مشورت، مرزی وجود دارد که نباید از آن گذشت. اینکه دولت به بخش خصوصی مشورت دهد، باید رعایت شود، اما رهنمون‌های دولت نباید در قالب دخالت در امور بخش خصوصی باشد. چرا که کلید استقلال اتاق‌ها در اختیار اعضا و مدیریت آنها است. در مقابل، پابندی اتاق‌ها به مقررات و رعایت مصالح خرد و کلان کشور از سوی اتاق‌ها نیز یک امر اجتناب‌ناپذیر است.

بخش خصوصی با توجه به گستردگی زیادی که دارد، قطعاً خواسته و انتظارات زیادی دارد و این یکی از چالش‌های مهم اتاقهای بازرگانی است؛ چرا که پیگیری یک مطالبه که اکثر اعضا با آن درگیر هستند، ممکن است بعضی وقتها به ضرر گروهی دیگر در اتاقها باشد. با این حال، اما چالش اصلی بخش خصوصی بعنوان بخش مهمی از اقتصاد کشور، همان مساله تحریم‌ها است. اگر این روند همچنان ادامه داشته باشد، یعنی شرایط اقتصادی سخت همچنان به قوت خودش باقی خواهد ماند. بنابراین باید با تدابیری ویژه تری با تحریم‌ها مقابله شود. از سوی دیگر، براساس جدیدترین گزارش گروه ویژه اقدام مالی، ایران که از فوریه ۲۰۲۰ وارد لیست سیاه FATF شده بود، در این لیست باقی ماند. جاگیری ایران در این لیست، برای فعالان اقتصادی کشور هزینه و تبعاتی به همراه دارد. اما چنانچه در عرصه بین‌الملل براساس مذاکراتی که در حال انجام است، تحریم‌ها برداشته یا معلق شوند؛ باز هم با چالش برقراری روابط مالی و تجاری با دنیا روبرو هستیم؛ چرا که فعالان اقتصادی ما سال‌ها است به دلیل تحریم‌ها حضور مستقیمی در شطرنج بازی اقتصاد جهان نداشته‌اند. از این رو، شاید توان و آمادگی لازم برای حضور به خوبی برایشان فراهم نباشد. بر همین اساس، باید زیرساخت‌ها و مقدمات ورود به عرصه تجارت جهانی از سوی سیاست‌گذاران و دولتمردان فراهم شود. در بعد داخلی هم مهمترین مسائلی که اقتصاد کشور و به تبع آن بخش خصوصی با آن درگیر است، مشکلات محیط زیستی، فرو نشست زمین و مساله بی‌آبی است که صنایع و کارخانجات را دچار مشکل جدی خواهد کرد. بنابراین باید خودمان برای مقابله با بحران جدی آب آماده کنیم و تدابیری ویژه‌ای در این زمینه اتخاذ شود.

بازوی پژوهشی مجلس گزارش داد

پرش قیمتی مسکن تهران در ۵ سال!

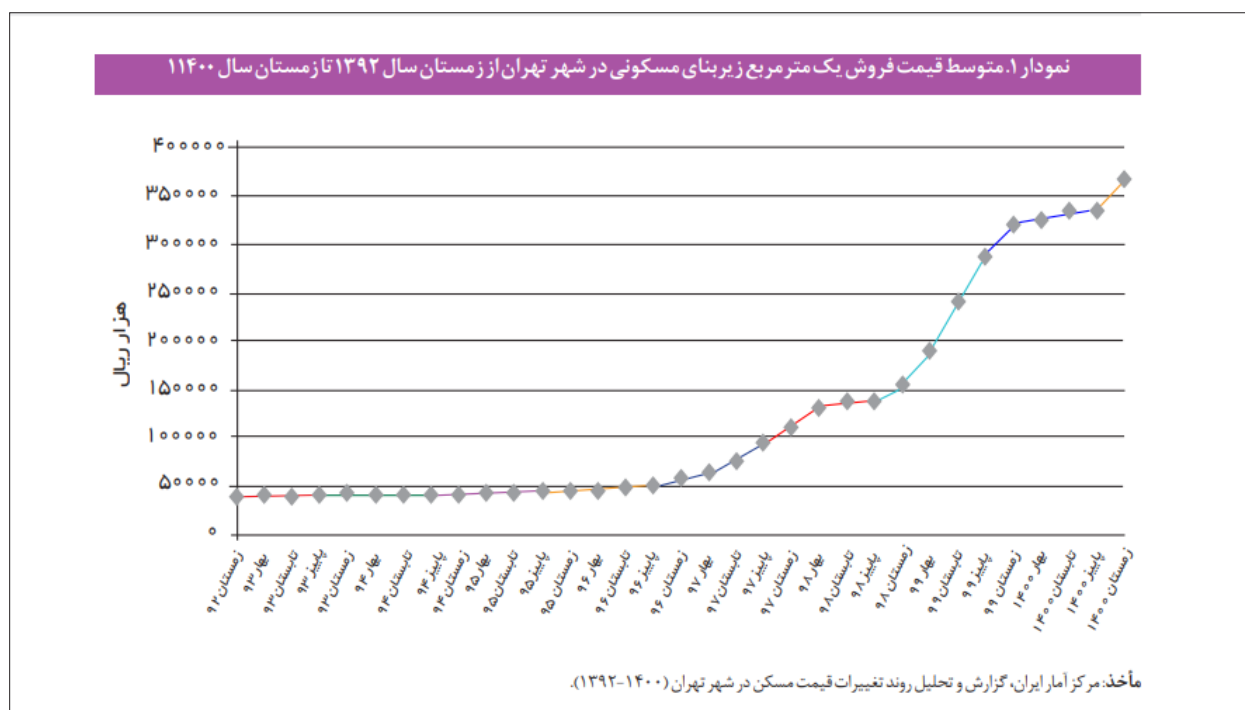


تا ۱۴۰۲ رشدی ۱۰ برابری به خود دیده و ضرب‌آهنگ این افزایش بسیار سریع‌تر از افزایش درآمد خانوارهای دهک‌های پایینی و میانی بوده است تأکید شده است: سال‌هاست که در تله سیاستی «عرضه کور» افتاده‌ایم: عرضه واحدهای مسکونی نوساز که بخشی از آن لوکس و گران‌قیمت است و از آن مهم‌تر، هیچ نسبتی با تغییرات جمعیت شناختی، توان مالی خانوارها و مکان‌یابی مناسب برای پاسخگویی جامعه مدار به نیازهای سکونتی ندارند و هیچ نوع

قیمت هر متر مربع مسکن در تهران از سال ۹۶ تا ۱۴۰۱ بیش از ۹۵۰ درصد رشد داشته و در حالی که ۴۵ درصد خانوارهای شهری به مسکن «استطاعت‌پذیر» دسترسی نداشته‌اند این رقم در تهران ۷۹ درصد بوده است. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی با موضوع چالش‌های مسکن شهری در ایران به بررسی ابعاد مختلف بحران مسکن پرداخته است. در این گزارش با تأکید بر اینکه قیمت مسکن در کل کشور، به ویژه در کلان‌شهرها، در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۷

کنترلی نیز برای عرضه آن‌ها به بازار در کار نیست و در برخی از موارد به قیمت کاهش موجودی مسکن) از رهگذر تخریب‌های سوداگرانه ساختمان‌های موجود (تولید می‌شوند. مرکز پژوهش‌های مجلس در یک برش پنج‌ساله وضعیت بحرانی مسکن در تهران را نشان داده است. طبق آمار منتشر شده بانک مرکزی، متوسط قیمت هر مترمربع واحد مسکونی در مناطق بیست و دوگانه تهران، طی ۵ سال یعنی از آذرماه سال ۱۳۹۶ تا آذرماه سال ۱۴۰۱، از ۵ میلیون و ۸۸ هزار تومان به ۴۸ میلیون و ۷۳ هزار تومان رسیده است، رشدی در حدود ۹۵۰ درصد. این درحالی است که حداقل دستمزد در این بازه زمانی در حدود ۶۰۰ درصد افزایش داشته است: از یک میلیون و ۱۲۵ هزار تومان در سال ۱۳۹۶ به ۶ میلیون و ۷۲۵ هزار تومان در سال ۱۴۰۱ رسیده است. این مرکز در ادامه آورده است: اگر تورم عمومی سال گذشته را هم به این وضعیت اضافه کنیم، بغرنجی وضعیت و وضوح بیشتری پیدا می‌کند. طبق گزارش بانک مرکزی، تورم نقطه به نقطه بهمن ماه سال ۱۴۰۱ در مناطق شهری، ۴۳٫۶ درصد بوده است. به عبارت دیگر، هزینه‌ای که یک خانوار برای تهیه سبد مشخصی از کالا و خدمات در بهمن ماه سال ۱۴۰۱ صرف کرده است، نسبت به هزینه تهیه

همین سبد در بهمن ماه سال ۱۴۰۰ حدود ۴۳٫۶ درصد افزایش یافته است. طبق گزارش فقر مسکن، در سال ۱۳۹۸ حدود ۴۵ درصد از خانوارهای مناطق شهری به مسکن استطاعت پذیر (با این تعریف که هزینه آن بیش از ۳۰ درصد کل هزینه‌های خانوار باشد) دسترسی نداشته‌اند، رقمی که در تهران ۷۹ درصد بوده است. البته باید در نظر داشت که این ارقام مربوط به بیش از سه سال قبل است. در این بازه زمانی در مهم‌ترین شهر کشور، یعنی پایتخت، متوسط قیمت هر متر مربع از حدود ۱۵ میلیون تومان در فروردین ماه سال ۱۳۹۹ به حدود ۴۸ میلیون تومان در آذرماه سال ۱۴۰۱ جهش داشته است. مرکز پژوهش‌های مجلس ۱۴ راهبرد سیاستی برای حل بحران مسکن پیشنهاد کرده است که ساخت مسکن استیجاری دولتی و عمومی در مناطق مختلف شهری با هدف همه‌شمولی، اصلاح رابطه حقوقی موجر-مستأجر بر مبنای ثبات بخشی به زندگی استیجاری و احیای حقوق مستأجران در بخش مسکن استیجاری خصوصی، اجرای قانون کنترل اجاره‌بها، بازبینی جامع در نظام اعطای یارانه‌های مسکن با هدف گسترش مسکن استطاعت پذیر برای مسکن اولی‌ها و مستأجران برخی از این پیشنهادها هستند.



تازه‌ترین داده‌های وضعیت شاخص مدیران خرید نشان می‌دهد

موانع بزرگ بنگاه‌های تولیدی

در خردادماه رشد فعالیت‌های اقتصادی نسبت به اردیبهشت افت کرد. در این مقطع شاخص مدیران خرید روی عدد ۵۳.۲۸ نشست. ماه قبل این شاخص روی ۵۷.۳۰ متوقف شده بود. شاخص مدیران خرید یا شامخ، شاخص اقتصادی است که رونق و رکود فعالیت‌های اقتصادی را در هر ماه نشان می‌دهد. در ماه گذشته براساس اظهار نظر فعالان اقتصادی شرایط بنگاه‌ها بدتر شده بود. بر همین اساس شاخص کل، کندترین رشد را در ۴ ماهه اخیر به غیر از فروردین‌ماه ثبت کرد. اما چرا این اتفاق افتاد؟ طبق نظر فعالان اقتصادی مشکل تامین ارز، عدم تعادل در بازار ارز، مشکل تامین نقدینگی، قطعی برق و گاز، توقف عرضه مواد اولیه از سوی پتروشیمی‌ها و هزینه‌های ناشی از اعمال سیستم مالیاتی نامناسب، ۶ سرعت‌گیر اصلی این رشد فعالیت‌های اقتصادی در این ماه بوده است.



افت تقاضای کل

نوسانات بالای نرخ ارز، تقاضا را کاهش داده است. در این ماه به غیر از میزان سفارشات جدید مشتریان و موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری‌شده سایر مولفه‌های اصلی بالای ۵۰ بوده‌اند. شاخص میزان فعالیت‌های کسب‌وکار هم در خردادماه (۵۷.۲۶) نسبت به ماه گذشته

در جریان اجرای طرح شاخص مدیران خرید (PMI) که از سوی مرکز پژوهش‌های اتاق ایران منتشر شده، در خردادماه بسیاری از شرکت‌ها شرایط را مانند ماه قبل ارزیابی کرده‌اند و به عقیده فعالان اقتصادی

(۶۰.۹۶) با کاهش روبرو بوده و طی ۴ ماه اخیر از اسفندماه (به غیر از فروردین) کمترین مقدار خود را ثبت کرده است.

سقوط سفارشات جدید

شاخص میزان سفارشات جدید مشتریان در خرداد (۴۹.۹۶) نسبت به ماه گذشته (۵۷.۱۵) کاهش داشته است و طی ۴ ماه اخیر از اسفندماه ۱۴۰۱ (به غیر از فروردین) کمترین مقدار خود را ثبت کرده است. رکود و تضعیف تقاضاناشی از کاهش قدرت خرید و کمبود نقدینگی مشتریان و نابسامانی پیوسته نرخ ارز طی ماه‌های اخیر است. شاخص موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری شده (۴۶.۵۶) که در اردیبهشت‌ماه (۵۸.۰۸) بهبود یافته بود، مجدداً کاهش یافته و کمترین مقدار ۴ ماهه اخیر از اسفندماه ۱۴۰۱ (به غیر از فروردین) را ثبت کرده است. شرکت‌ها، همچنان به دلیل نوسانات شدید قیمتی، بالا بودن قیمت‌ها و مشکل عدم تخصیص و دسترسی به ارز که طی ماه‌های اخیر با آن روبرو بوده‌اند، در تامین مواد اولیه و لوازم مورد نیاز خود با مشکل روبرو هستند.

رشد آرام قیمت‌ها

شاخص قیمت خرید مواد اولیه یا لوازم خریداری شده (۷۳.۲۲) در مقایسه با تورم شدید چندین ماهه اخیر، افزایش ملایم‌تری داشته و به کمترین میزان ۸ ماهه از آبان‌ماه ۱۴۰۱ رسیده است، هر چند به عقیده فعالان اقتصادی این کندی در افزایش قیمت‌ها به دلیل کاهش نرخ ارزی بوده که در خردادماه وجود داشته است. بر همین اساس و با توجه به رکود در تقاضا، تورم قیمت فروش هم کند شده و تولیدکنندگان کمترین نرخ افزایش را در سری ۷ ماهه از آذرماه به ثبت رساندند. اگرچه به علت افزایش قیمت هزینه‌های نهاده‌ها و دستمزدها، هزینه تولید با افزایش زیادی همراه بوده است و قیمت‌های فروش همچنان باید به شدت افزایشی باشد، اما به عقیده فعالان اقتصادی به دلیل کاهش تقاضا و رکود در سمت تقاضا ناچارند محصولات را در قیمت‌های پایین‌تر عرضه کنند.

کاهش میزان فروش کل

شاخص میزان فروش کالاها و خدمات که در اردیبهشت‌ماه (۶۴.۰۹) با از سرگیری فعالیت‌ها و سفارشات، نسبت به ماه گذشته بهبود یافته بود، در خردادماه (۵۰.۶۵) مجدداً کاهش یافت و تقریباً در محدوده خنثی

۵۰ قرار گرفت و طی ۵ ماه اخیر (به غیر از فروردین‌ماه) یکی از کمترین مقادیر خود را ثبت کرده است. شاخص انتظارات در ارتباط با میزان فعالیت اقتصادی در ماه آینده (۶۰.۱۷) اگرچه همچنان مثبت است، اما در مقایسه با روند سه ماه اخیر شدت انتظارات مثبت اندکی ضعیف‌تر است و بسیاری از شرکت‌ها نگرانی خود را در مورد رکود تقاضا و شرایط قیمتی بازار ابراز کرده‌اند.

شاخص صنعت بالای ۵۰

بر اساس داده‌های به دست آمده از بنگاه‌های بخش صنعت، شاخص مدیران خرید صنعت (تعدیل فصلی نشده) در خردادماه عدد ۵۵.۳۰ به دست آمده است و کمترین مقدار ۵ ماهه خود را از بهمن‌ماه (به غیر از فروردین) ثبت کرده است. در این ماه هر ۵ مولفه اصلی بیشتر از ۵۰ گزارش شده‌اند. کمتر شدن شیب افزایش شاخص صنعت به دلیل کاهش رشد میزان سفارشات است. شاخص تولید بخش صنعت در خرداد نسبت به ماه گذشته کاهش داشته و از ۷۳.۷۸ در اردیبهشت‌ماه به ۵۶.۳۹ در خردادماه رسیده است و پایین‌ترین مقدار پنج‌ماهه از بهمن‌ماه (به غیر از فروردین) را ثبت کرده است.

افت تقاضای صنعت نسبت به سال قبل

شاخص میزان سفارشات جدید مشتریان (۵۲.۴۹) حاکی از آن است که کسب و کارها از کاهش تقاضا در خرداد در مقایسه با ماه قبل خبر دادند و به کمترین نرخ ۵ ماهه از بهمن‌ماه ۱۴۰۱ (به غیر از فروردین) رسیده است. به دلیل ادامه نابسامانی قیمتی و کاهش قدرت خرید و تردید مشتریان برای خرید، ضعف در تقاضا وجود داشته است. به طوری که در مقایسه با خرداد سال‌های قبل کاهش بیشتری در تقاضا مشاهده می‌شود. شاخص موجودی مواد اولیه (۵۱.۳۱) که در ماه قبل بهبود یافته بود مجدداً کاهش یافته و به طور جزئی از محدوده خنثی ۵۰ بیشتر است و افزایشی بسیار اندک را در خردادماه ثبت کرده است. همچنان شرکت‌ها در زنجیره تامین خود با نگرانی از عدم تخصیص و دسترسی به ارز مورد نیاز و بی‌ثباتی نرخ ارز روبرو هستند. شاخص قیمت محصولات تولید شده (۵۳.۷۶) در مقایسه با ماه‌های اخیر کاهش قابل توجهی داشته و کمترین مقدار ۷ ماهه خود را از آذرماه ۱۴۰۱ ثبت کرده است.



بازار شده بود و بسیاری از خریداران و تامین کنندگان مواد اولیه تمایلی به فعالیت در چنین بازار نابسامانی نداشتند.

در این میان پایین بودن ارزش ریال در برابر سایر ارزها باعث هزینه‌بر بودن تامین مواد اولیه و تولید شد. در کنار این مشکلات شرکت‌هایی که در حوزه نفت، گاز و پتروشیمی فعالیت می‌کردند برای تامین نقدینگی از طریق بانک‌ها مشکل داشتند. در ضمن تورم و افزایش قیمت‌ها باعث

کاهش تقاضا و مصرف در برخی از شرکت‌های صنایع غذایی شد. مشکل قطعی برق و گاز هم باعث تعطیلی خطوط تولید شد در حالی که بسیاری از هزینه‌های ثابت برای کارخانه‌ها وجود داشت. به گفته فعالان اقتصادی همچنان قیمت‌گذاری دستوری و بدون کارشناسی دولت در برخی از صنایع به خصوص محصولات کشاورزی و غذایی ادامه دارد و منجر به زیان شرکت‌ها شده است. عرضه مواد اولیه یا خوراک از سوی پتروشیمی‌ها برای قیمت‌گذاری جدید هم متوقف شده در حالی که صنایع وابسته برای تولید، نیاز به این محصولات دارند. اما از سوی دیگر طرف تقاضا کسش بیشتری برای افزایش قیمت‌ها را ندارد.

طبق اعلام فعالان اقتصادی بسیاری از شرکت‌ها همچنان با کمبود نیروی کار مواجه هستند (به نظر می‌رسد بسیاری از نیروهای جوان تمایل به کار در سطح دستمزدهای فعلی ندارند) و بسیاری از شرکت‌ها تمایل به استخدام نیروی کار خارجی با بهرهوری بالاتر دارند.

افزایش آهسته نرخ قیمت‌ها از یک سوناشی از کاهش در تقاضا است و از سوی دیگر به دلیل کندتر شدن شدت افزایش قیمت مواد اولیه (طی ۸ ماه گذشته از آبان ۱۴۰۱) به دلیل کاهش نرخ ارز بوده است. این در حالی است که به‌طور متوسط، به‌ویژه تحت تاثیر فشار دستمزدها و نرخ تورم هزینه نهاده‌ها طی ماه‌های اخیر، نرخ افزایش قیمت‌ها به اندازه هزینه‌های نهاده‌های تولید نبوده است.

از افزایش موجودی انبار تا افت فروش

شاخص موجود محصول نهایی در انبار (۵۴.۵۰) به بیشترین مقدار ۸ ماهه خود از آبان ماه ۱۴۰۱ رسیده است. با کاهش تقاضا در خردادماه، از آنجایی که شرکت‌ها در ماه گذشته میزان تولید قابل توجهی داشتند، اما رکود در تقاضا باعث مازاد ظرفیت تولید در انبار شده است. شاخص میزان فروش محصولات در خرداد (۵۲.۱۷) به کمترین میزان ۵ ماهه خود (به غیر از فروردین) رسیده است. در اردیبهشت‌ماه با آنکه شرکت‌ها در وضعیت فروش بهبود داشتند، اما در خردادماه به دلیل تضعیف سطح تقاضا با کاهش در فروش روبرو بوده‌اند. شاخص انتظارات تولید (۶۳.۰۸) همچنان نشان‌دهنده خوش‌بینی صنایع برای ماه آینده است البته نرخ خوش‌بینی در مقایسه با روند ۳ ماهه اخیر اندکی کاهش داشته است.

چرا صنعت در خرداد ناکام بود؟

به‌طور کلی در خردادماه برخی از صنایع و شرکت‌ها با مشکل قطعی برق و گاز مواجه بودند. همچنین شرایط بی‌ثبات نرخ ارز، تضعیف تقاضا و تردید مشتریان را به دنبال داشته و از سوی دیگر قدرت خرید مشتریان بسیار کاهش داشته است علاوه بر این به‌رغم افزایش هزینه تولید به دلیل عدم وجود نقدینگی مشتریان، شرکت‌ها امکان افزایش قیمت در محصولاتی که با هزینه‌های بسیار بالا تولید شده‌اند را ندارند و بسیاری از شرکت‌ها همچنان مانند ماه‌های قبل با نگرانی زنجیره تامین مواد اولیه خود به علت مشکل عدم تخصیص ارز روبرو بوده‌اند.

مشکلات تکراری بنگاه‌های اقتصادی

طبق داده‌های موجود در خردادماه بسیاری از شرکت‌ها با مشکل فقدان تامین ارز مورد نیاز برای واردات مواد اولیه مواجه بودند. در ضمن عدم تعادل در بازار ارز و نوسانات شدید قیمتی باعث رکود و کاهش فروش در

خواسته مهم از متولی صمت



احمد صرامی
رئیس کمیسیون
بازرگانان اتحادیه
صادرکنندگان
فرآورده های نفتی

حسب پایش ملی محیط کسب و کار ایران در زمستان ۱۴۰۱ فعالان اقتصادی مشارکت کننده در این پایش، به ترتیب سه مؤلفه «غیرقابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات، دشواری تأمین مالی از بانک ها و بی ثباتی سیاست ها، قوانین و مقررات و رویه های اجرایی ناظر بر کسب و کار» را بعنوان نامناسب ترین مؤلفه های محیط کسب و کار کشور نسبت به سایر مؤلفه ها ارزیابی کردند. اما «قیمت گذاری دستوری» اثرات مخرب تری روی بازار محصولاتی چون خودرو، لوازم خانگی و ... داشته که در نهایت منجر به نابسامانی و بی ثباتی در بازار و بی انگیزگی فعالان اقتصادی از یکسو و بی اعتمادی مصرف کنندگان از سوی دیگر شده است. صرف نظر از اینکه یک مدیر باید مدبر، متعهد و متخصص باشد، باید توانایی مدیریت بازار در شرایط متلاطم را نیز داشته باشد. همچنین توانایی ایستادن و مقابله با ذی نفعان و رانت خواران.

بخش فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی چه در بخش تولید و چه در عرصه تجارت، به ویژه زمانی که صحبت از زنجیره تامین در صنایع پیش می آید، از اهمیت بسیار بالایی به جهت استفاده حداکثری از مواد اولیه و خام و بالابردن ظرفیت های پتروپالایشگاهی دارد. بنابراین خواسته فعالان اقتصادی در این بخش از وزیر صمت شامل مواردی چون «تامین خوراک، قیمت گذاری عادلانه میان بخش خصوصی و خصولتی، حمایت های بانکی، اهتمام در جهت رفع تحریم ها، حمل و نقل سریع و بدون ایستایی در بنادر برای رسیدن به مقاصد صادراتی، کاهش هزینه های مبادله پولی و یا تقبل این هزینه ها از سوی دولت، یکپارچگی سامانه های تولید و مالیات، رهگیری آسان جریان اطلاعات - همچون سامانه بهین یاب، سامانه جامع تجاری و ...- از بین بردن موانع سرمایه گذاری خارجی و اهتمام در جهت امنیت اقتصادی و ...» است. بنابراین برای تداوم صادرات فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی

نیازمند ایجاد خطوط مواصلاتی بین کشورهای منطقه و برون رفت از تنگنای مرزها هستیم؛ مانند آنچه که کشورهایی چون «عراق و ترکیه و آذربایجان، کشورهای حوزه اوراسیا و سایر کشورها» به دنبال آن هستند. «جذب سرمایه برای احداث پالایشگاه ها و پتروشیمی ها با مقیاس بزرگ و یا حداقل به روزرسانی آن ها برای بهره وری بیشتر» راز دیگر خواسته های فعالان اقتصادی در این بخش بزرگ اقتصادی است. اما مساله ای که بسیار حائز اهمیت است، اینکه چنانچه رتبه آزادی اقتصادی پایین باشد و فساد اقتصادی ذینفعان همچنان بالارونده باشد، این مهم صورت نمی گیرد. بنابراین مشکلات باید از به صورت ریشه ای و اساسی حل شود و به فکر ویتترین سازی نباشیم. از آمارها و اطلاعات اقتصادی باید برای از بین بردن نقاط ضعف استفاده کرد. دست آخر اینکه اعتماد ملی باید برگردد، چراکه در غیر این صورت راهی بس نفس گیر خواهیم داشت.



ارزش هر تن صادراتی، حدود یک سوم قیمت کالای وارداتی است!

«ارزان فروشی و گران خری» در تجارت

بر اساس آمار اعلام شده از سوی گمرک ایران، تراز تجاری بهار امسال منفی است، همچنین با وجود افزایش وزنی صادرات ایران از نظر ارزشی شاهد افت هستیم؛ صدور کالاهایی با قیمت پرنوسان و ارزان و واردات کالاهای گران با قیمتی باثبات و تورمی ملایم، همگام با تورم جهانی. بنابر آمارها، در سه ماهه نخست صادرات از نظر ارزشی ۱/۵ میلیارد دلار از واردات عقب است. در ماه سوم نیز ارزش واردات از صادرات پیشی دارد؛ صادرات با ثبت رقم ۴ میلیارد و ۹۸۷ میلیون دلار و واردات کشور ارزشی به میزان ۶ میلیارد و ۵۹۹ میلیون دلار، تراز منفی یک میلیارد و ۷۲۲ میلیون



دلاری را ثبت کرده است. با اینکه صادرات کشور در سه ماهه نخست سال جاری ۲۴/۴ درصد افزایش وزنی نسبت به سال گذشته نشان می‌دهد اما با افت ارزشی معادل ۸/۸ درصد مواجه شده است. این در حالی است که افزایش یک درصدی وزن کالاهای وارداتی در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۲ به نسبت مدت مشابه، به افزایش ۵/۷۹ درصدی در ارزش آن در همین بازه منجر شده است. روندی که می‌توان از آن به «ارزان‌فروشی و گران‌خری» تعبیر کرد. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد، که ارزش هر تن صادراتی کشور حدود یک سوم قیمت کالای وارداتی را داراست.

در گزارش گمرک دلیل افت ارزش صادرات با وجود افزایش میزان وزنی آن را کاهش جهانی ارزش کالاهای صادراتی ایران نوشته‌اند؛ از جمله به کاهش ۱۸ درصدی ارزش محصولات پتروشیمی به عنوان نمونه اشاره شده که در این تغییرات نقش داشته است. نکته‌ای که نشان‌دهنده وابستگی بخشی مهم از تجارت غیرنفتی ایران به مشتقات و فرآورده‌های هیدروکربوری است که بنا به طبیعت این بازار جهانی، وابسته به قیمت نفت هستند و بالطبع قیمت‌هایی بسیار پرنوسان دارند.

همچنین بنابر آمار گمرک، ارزش هر تن کالای وارداتی ایران نیز هم به نسبت ماه گذشته و هم به نسبت به ۳ ماه گذشته با افزایش مواجه بوده است، به این معنی که ما کالاهایی صادر می‌کنیم که دستخوش نوساناتی بعضاً تا رقم بالایی تا ۱۸ درصد هستند و در مقابل کالاهایی وارد می‌کنیم که به نسبت قیمتی با ثبات و همگام با تورم جهانی دارند.

این نکته را باید به نقطه ضعف اساسی دیگر تجارت خارجی ایران اضافه کرد؛ این نقطه ضعف که میهمان تمامی گزارش‌های تجارت خارجی قبلی نیز بوده‌اند یعنی مقاصد محدود صادراتی. سیاستی که از نظر تجاری با ریسک بالا محسوب می‌شود و تجارت کشور را وابسته به رفتار تعداد اندکی از کشورها می‌کند. این کشورها ممکن است به دلایل داخلی یا تغییر شرایط بین‌المللی، خرید کالا از ایران را کاسته یا متوقف کنند. نمونه یکی از این تغییرات که کاملاً تصادفی و حتی خارج از حیطه اتخاذ تصمیم مشخص درباره ایران بود، وقوع بحران اوکراین و تحریم روسیه بود که پیامد غیرمستقیم آن بازارهای مشتقات نفتی ایران، از جمله بازار قیر و محصولات پتروشیمی کشور

در چین و هند تحت تأثیر ارزان‌فروشی روسیه قرار گرفت.

جزئیات تجارت در فصل بهار

بر اساس آمار گمرک ایران، تجارت در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۲، رقم ۳۵/۵ میلیون تن کالا به ارزش ۱۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار به استثنای نفت خام، نفت کوره، نفت سفید و تجارت چمدانی از کشور صادر و ۸ میلیون و ۶۰۰ هزار تن کالا به ارزش ۱۴ میلیارد دلار سهم واردات کشور بوده است. ارقامی که تراز تجاری کشور در بهار را منفی یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار می‌کند.

بنابر این گزارش، در این مدت صادرات غیرنفتی کشور به لحاظ وزنی نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۴/۴۲ درصد افزایش و از حیث ارزش ۸/۸۴ درصد کاهش داشت و واردات کشور به لحاظ وزن و ارزش به ترتیب یک درصد و ۵/۷۹ درصد افزایش یافته است. این گزارش می‌نویسد: به دلیل کاهش قیمت‌های جهانی برخی از کالاهای صادراتی از جمله محصولات پتروشیمی که از نظر وزنی ۱۶ درصد افزایش اما از نظر ارزش ۱۸ درصد کاهش داشته است، میزان کلی صادرات غیرنفتی کشور مان با چنین تغییرات وزنی و ارزشی مواجه شده است. در مدت مشابه، یعنی بهار سال ۱۴۰۱، صادرات ۱۳ میلیارد و ۶۹ میلیون دلار ارزش داشته و وزن آن ۲۷/۷ میلیون تن بوده است. واردات کشور در این مدت بالغ بر ۱۲ میلیارد و ۴۶۴ میلیون دلار گزارش شده که وزنی معادل ۸ میلیون و ۱۵۴ هزار تن داشته است.

تجارت در اردیبهشت

در ماه دوم، اردیبهشت صادرات غیرنفتی کشور ارزشی به میزان ۳ میلیارد و ۸۶۸ میلیون دلار داشته است که با در نظر گرفتن واردات ۴ میلیارد و ۸۵۴ میلیون دلار تراز آن در نزدیکی منفی یک میلیارد دلار و به بیان دقیق منفی ۹۸۶ میلیون دلار برآورد می‌شود که با توجه به مثبت شدن تراز تجاری در ماه پیش از آن، یعنی فروردین سال ۱۴۰۱ تجارت ایران بار دیگر در سراشیبی قرار گرفته است. البته تجارت اردیبهشت سال ۱۴۰۱ نیز روزهای خوبی را سپری نمی‌کرد و این ماه، ماه خوب تجارت ایران نبود هر چند شکاف میان صادرات و واردات تا این حد بالا نبود. در این ماه از سال ۱۴۰۱ صادرات به میزان

۴ میلیارد و ۸۱۷ میلیون دلار رسید و واردات از ۵ میلیارد دلار فراتر رفت و عدد ۵ میلیارد و ۲۹۱ میلیون دلار را ثبت کرد. بر این اساس تراز تجاری کشور برخلاف ماه پیش از آن منفی شد و شکاف صادرات و واردات ۴۷۴ میلیون دلاری ثبت شد. در مدت مشابه سال پیش از ۱۴۰۱ یعنی اردیبهشت سال ۱۴۰۰ صادرات ۳ میلیارد و ۲۹۲ میلیون دلار و واردات ۳ میلیارد و ۷۲۸ میلیون دلار ثبت شده بود؛ بر این اساس تراز دو ماه چندان تفاوتی ندارد اما حجم تجارت اردیبهشت در ۱۴۰۱ به شکلی چشمگیر بالاتر از سال ۱۴۰۰ است و همچنین بالاتر از اردیبهشت سال ۱۴۰۲ اما نه چندان قابل توجه.

تجارت در ماه سوم

اما چنانچه تجارت را در سومین ماه از فصل نخست سال جاری در نظر بگیریم؛ صادرات غیر نفتی کشور از حیث ارزش، رقمی معادل ۴ میلیارد و ۹۸۷ میلیون دلار و واردات کشور ارزشی به میزان ۶ میلیارد و ۵۹۰ میلیون دلار ثبت کرده که حجم تجارت کشور را به ۱۱ میلیارد و ۴۶۰ میلیون دلار رسانده و تراز آن منفی یک میلیارد و ۷۲۰ میلیون دلار بوده است. از نظر وزنی حجم واردات این ماه ۵/۱۴ میلیون تن و صادرات آن ۴/۷۳۲ میلیون تن برآورد می‌شود. این ارقام برای خرداد سال ۱۴۰۱، از حیث ارزش ۴/۹۵۴ میلیارد دلار صادرات و ۴/۳۴۹ میلیارد دلار واردات ثبت شده، که تراز تجارت



غیر نفتی کشور در این ماه از سال ۱۴۰۱ را مثبت ۶۰۵ میلیون دلار کرده بود. ارقام سال ۱۴۰۱ در مقایسه با مدت مشابه سال پیش از آن، یعنی سال ۱۴۰۰، با صادراتی به ارزش ۴ میلیارد و ۶۰۴ میلیون دلار و وارداتی به ارزش ۴ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار تفاوت چشمگیری ندارد، از این رو این نخستین سال پس از سال ۱۴۰۰ است که تراز تجاری ماه خرداد منفی می‌شود. در این ماه، یعنی خرداد سال ۱۴۰۲ ارزش هر تن کالای وارداتی ۱۵۶۶ دلار بوده و هر تن صادرات ۳۴۳ دلار تمام شده است. در مدت مشابه، یعنی خرداد سال ۱۴۰۱، هر تن کالای صادراتی ایران رقمی معادل ۴۶۷ دلار ارزش داشته و واردات کشور به ازای هر تن ۱۴۶۲ دلار هزینه برداشته است. در فصل بهار سال ۱۴۰۲ ارزش هر تن کالای وارداتی ایران ۱۶۲۷ دلار بوده و صادرات هر تن کالای ایرانی ۳۵۲ دلار ثبت شده است. این ارقام برای بهار سال گذشته برای واردات ۱۵۲۸ دلار و برای صادرات ۴۷۱ دلار بوده است. چنانچه مشخص است ارزان‌فروشی و گران‌خری - به هر دلیلی - تنها توصیف این فرآیند است و نه قضاوتی درباره آن.

مبادی وارداتی و صادراتی

بنابر آمار گمرک، در بهار امسال ذرت، دانه سویا، روغن دانه آفتابگردان، برنج، گندم و جو عمده‌ترین اقلام اساسی وارداتی به کشورمان بوده‌اند که در مجموع از نظر وزنی ۵۶/۱۵ درصد و از نظر ارزشی ۱۹/۷۹ درصد از کل واردات کشور را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین بنابر این گزارش، چین، عراق، ترکیه، امارات متحده عربی و هند ۵ کشور اول مقصد کالاهای صادراتی بوده‌اند که به ترتیب ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار، ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار، یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار، یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار و ۴۸۹ میلیون دلار به این ۵ کشور صادر شده است. ۵ کشور اول مبدأ کالاهای وارداتی در ۳ ماهه اول امسال به ترتیب شامل امارات متحده عربی به ارزش ۴ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار، چین ۴ میلیارد دلار، ترکیه یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار، آلمان ۵۴۸ میلیون دلار و هند ۵۰۱ میلیون دلار بوده است. همچنین در این مدت ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تن کالا از مسیر ایران ترانزیت شد که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۷/۸۶ درصد کاهش داشته است.

پیش‌بینی اوپک از تقاضای بالاتر برای نفت؛

رکورد جدید برای صادرات نفت ایران



صادرات نفت ایران به روایت آمار

«صادرات و تولید نفت ایران با وجود تحریم‌های آمریکا به رکورد جدیدی در سال ۲۰۲۳ رسیده است.» رویترز در این گزارش می‌گوید: تولید و صادرات نفت ایران رشد کرده است. شرکت مشاوره‌ای «اس‌وی‌بی اینترنشنال» هم برآورده کرده تولید نفت ایران در ماه می یعنی، به ۳,۰۴ میلیون بشکه در روز در مقایسه با ۲,۶۶ میلیون بشکه در روز در ژانویه رشد کرده است. صادرات نفت

رویترز ادعا می‌کند: تولید نفت ایران در ماه می به ۳,۰۴ میلیون بشکه در روزه رسیده و صادرات میعانات در این ماه ۱,۹۳ میلیون بشکه در روز است. اوپک همچنین در جدیدترین گزارش ماهانه‌اش، پیش‌بینی خود از رشد تقاضا برای نفت در سال ۲۰۲۳ را بالاتر برد و برآورد کرد که رشد تقاضا در سال میلادی آینده، به دلیل موانع منفی اقتصادی، اندکی ملایم خواهد شد.

و میعانات ایران در ماه مه ۱.۹۳ میلیون بشکه در روز بود. صادرات نفت ایران از زمان خروج دونالد ترامپ از توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۸، هدف تحریم‌های آمریکا قرار گرفت. با این حال، صادرات نفت ایران همچنان ادامه دارد و طبق آمار شرکت کپلر، صادرات نفت ایران در ماه مه، از ۵.۱ میلیون بشکه در روز فراتر رفت که بالاترین نرخ ماهانه از سال ۲۰۱۸ به این طرف است. ایران در ماه می اعلام کرد تولید نفت خود را به بالای ۳ میلیون بشکه در روز افزایش داده که طبق آمار اوپک، معادل حدود ۳ درصد از عرضه جهانی و بالاترین میزان تولید ایران از سال ۲۰۱۸ است.

همچنین آژانس بین‌المللی انرژی در جدیدترین گزارش ماهانه خود، تولید نفت ایران در ماه میرا ۲.۸۷ میلیون بشکه در روز تخمین زد که نزدیک به آمار رسمی ایران است.

گروه اوپک پلاس در چهارم ژوئن برای محدود کردن عرضه نفت تا سال ۲۰۲۴ موافقت کرد. اما ایران، ونزوئلا و لیبی، از مشارکت در برنامه کاهش تولید معاف هستند. نیجریه جز کشورهایی است از شرکت در برنامه کاهش تولید نفت معاف نیست اما برای افزایش تولید، با مشکلات داخلی مواجه هست.

«یرنا» قبلاً اطلاعات اعلام شده از سوی مرکز آمار اروپا (یورواستات) را منتشر کرده که نشان می‌دهد اتحادیه اروپا در سال میلادی گذشته ۴۱۸۱ تن نفت خام یا فرآورده نفتی از ایران وارد کرده است. میزان واردات نفت اتحادیه اروپا از ایران هر چند رقم قابل توجهی نیست اما حاکی از تمایل پالایشگاه‌های اروپایی برای نادیده گرفتن تحریم‌های آمریکا علیه ایران است و درج این ارقام در آمار رسمی واردات نفت اروپا نشان دهنده تمایل مراجع رسمی اروپا برای فاصله گرفتن از تحریم‌ها و یا حداقل نشان دادن اعتراض خود به سیاست تحریم آمریکا علیه ایران است. بر اساس این گزارش سه عضو اتحادیه اروپا در سال گذشته میلادی از ایران نفت خام یا فرآورده نفتی وارد کرده‌اند. این کشورها عبارتند از رومانی، لهستان و بلغارستان.

رومانی در سال ۲۰۲۲ در مجموع ۴ هزار تن نفت خام یا فرآورده نفتی از ایران وارد کرده است. بلغارستان ۱۶۸ تن و لهستان نیز ۱۳ تن نفت خام یا فرآورده نفتی از ایران در این سال وارد کرده‌اند. بلغارستان جدیدترین عضو اتحادیه اروپاست که از زمان تحریم‌های

نفتی آمریکا علیه ایران در سال ۲۰۱۸ واردات نفت یا فرآورده از ایران داشته است. نخستین محموله نفت وارداتی ایران در دسامبر ۲۰۲۲ به این کشور ارسال شده است. بلغارستان در ژانویه ۲۰۲۳ نیز برای دومین ماه متوالی ۸۳ تن نفت یا فرآورده نفتی از ایران وارد کرده است.

تقاضای نفت برای سال ۲۰۲۳ رشد می‌کند

اوپک در جدیدترین گزارش ماهانه اش، پیش بینی خود از رشد تقاضا برای نفت در سال ۲۰۲۳ را بالاتر برد و برآورد کرد که رشد تقاضا در سال میلادی آینده، به دلیل موانع منفی اقتصادی، اندکی ملایم خواهد شد.

سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در جدیدترین گزارش بازار نفت، پیش بینی کرد تقاضای جهانی برای نفت در سال ۲۰۲۴ به میزان ۲.۲۵ میلیون بشکه در روز رشد می‌کند که در مقایسه با رشد ۲.۴۴ میلیون بشکه در روز در سال میلادی جاری، افزایش ۲.۲ درصدی خواهد داشت. پیش بینی اوپک از نرخ رشد تقاضا برای نفت در سال میلادی آینده، دو برابر میزان پیش بینی شده از سوی آژانس بین‌المللی انرژی است که جدیدترین گزارش خود از بازار نفت را روز پنجشنبه منتشر کرد. قیمت نفت در پی انتشار گزارش اوپک، صعودی شد.

رشد تقاضا برای نفت، نشان می‌دهد که وضعیت بازار بهبود پیدا کرده و در تصمیمات سیاستی اوپک پلاس، تاثیر خواهد داشت. این گروه که شامل اوپک و متحدانش است، در ژوئن با هدف تقویت بازار، تصمیم گرفتند توافق محدودیت عرضه را تا پایان سال ۲۰۲۴، تمدید کنند. در گزارش اوپک آمده است: رویکرد پیشگیرانه اوپک پلاس و کاهش عرضه، به ثبات بازار افزوده است و بر این اساس، عوامل بنیادین قوی که امسال مشاهده شدند، انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۴ هم تداوم داشته باشند.

طبق گزارش اوپک، انتظار می‌رود رشد اقتصادی جهانی قوی در بحبوحه تداوم بهبود چین، در سال ۲۰۲۴ مصرف نفت را تقویت کند. همچنین اوپک در این گزارش، پیش بینی خود از رشد تقاضا برای نفت در سال ۲۰۲۳ را به میزان ۹۰ هزار بشکه در روز نسبت به ماه

قبل، افزایش داد. منابع نزدیک به اوپک هفته گذشته اظهار کرده بودند که این گروه در نخستین چشم انداز خود از رشد تقاضا برای نفت در سال آینده که ماه جاری منتشر می کند، احتمالاً دیدگاه خوش بینانه را حفظ خواهد کرد و کندی رشد تقاضا نسبت به امسال را پیش بینی می کند اما انتظار دارد رشد تقاضا همچنان بالاتر از حد میانگین باشد.

اوپک با فرض این که تورم کلی در نیمه دوم سال ۲۰۲۴، ملایم می شود، پیش بینی کرد رشد اقتصاد جهانی در سال میلادی آینده به ۲.۵ درصد در مقایسه با ۲.۶ درصد در سال ۲۰۲۳ می رسد. همچنین فرض را بر این گذاشت که افزایش نرخ بهره تا پایان سال ۲۰۲۳، به اوج می رسد.

بر اساس دورنمای سال ۲۰۲۴ اوپک، تقاضا برای نفت، رشد بسیار سریعتی از عرضه تولید کنندگان خارج از اوپک خواهد داشت.

اوپک انتظار دارد عرضه غیر اوپک، به میزان ۱.۴ میلیون بشکه در روز رشد کند و از رشد تقاضا عقب بماند. در نتیجه، اوپک انتظار دارد تقاضای جهان برای نفت این گروه در سال ۲۰۲۴، به ۳۰.۲ میلیون بشکه در روز می رسد که ۸۰۰ هزار بشکه در روز بالاتر از سال ۲۰۲۳ خواهد بود. اوپک در حال حاضر، کمتر از این میزان، تولید می کند. طبق گزارش اوپک، تولید اوپک در ژوئن، با افزایش تولید ایران و عراق، ۹۱ هزار بشکه در روز افزایش یافت و به ۲۸.۱۹ میلیون بشکه در روز رسید. ایران از مشارکت در توافق اوپک، معاف است.

بر اساس گزارش رویترز، اوپک انتظار دارد آمریکا بزرگترین سهم را در رشد عرضه غیر اوپک در سال ۲۰۲۴ داشته باشد. این گروه پیش بینی کرد که رشد تولید نفت شیل آمریکا از ۷۳۰ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۲۳، به ۵۰۰ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۲۴ کاهش پیدا می کند.





مردم بدون مطالعه در زمان رشد بازار خرید نکنند

بورس پر بازده می شود؟

سودده برای سرمایه‌گذاری در سال ۱۴۰۲ است و باتوجه به اینکه بسیاری از شرکت‌ها در صورت‌های مالی‌شان قیمت فروش تولیدات خود را با نرخ دلار ۲۵ هزار تومانی محاسبه کرده‌اند، به محض آنکه قیمت‌های جدید دلار را در صورت‌های مالی‌شان لحاظ کنند قیمت سهام‌شان هم رشد می‌کند.

ضمن آنکه شاخص قیمت به سود یا P بر E بازار حدود ۱۰ واحد است، این درحالی است که شاخص مذکور در اوج هیجان بازار

شاخص بورس اوراق بهادار تهران آخرین بار شانزدهم اردیبهشت ماه امسال بود که در ارتفاعی بالاتر از ۲۰۳ میلیون واحدی ایستاد و از ۱۸ اردیبهشت ماه تاکنون ۳۵۰ هزار واحد سقوط کرده و در این مدت بخش بزرگی از سهامداران حقیقی از بازار خارج شده‌اند. بافت ۳۲ هزار واحدی بازار سرمایه هفته آخر خردادماه، نزدیک به ۳ هزار میلیارد تومان پول حقیقی از بورس خارج شده است. برخی بر این باورند که بازار سرمایه هنوز هم یکی از بهترین بازارهای

سرمایه در سال ۱۳۹۹ حدود ۳۰ واحد بود، پس با توجه به اینکه میانگین بلندمدت این شاخص حدود ۵ الی ۶ واحد است؛ به طور قطع می‌توان مدعی شد که در آن مقطع شاهد یک سوپر حباب در بازار سهام بودیم. با توجه به انتشار اخبار مثبت سیاسی، انتظارات تورمی هم تا حدودی تعدیل شدند و نرخ ارز هم افت داشته است، هر چند کاهش نرخ ارز از یک حدی به بعد دیگر به نفع اقتصاد نیست، اما بازار سرمایه چنین برداشتی از این قضیه ندارد. البته این ریزش‌ها به نوعی اصلاح بازار است و باید گفت نرخ‌های این روزهای سهام بسیار پایین هستند و برای سرمایه‌گذاری این بازار حتی از بازار ارز هم ارزنده‌تر شده است. بازار سرمایه بیشتر با اشباع در فروش روبه‌رو است تا اشباع در خرید و قیمت‌ها در بازارهای موازی مانند املاک و خودرو، هم بسیار بالاتر است و هم مشکلاتی در سمت عرضه این بازارها وجود دارد، ضمن اینکه سیاست‌گذاری‌ها نیز به این سمت رفته که از بورس و بازار سرمایه حمایت بیشتری شود. اما باید توجه داشت که بورس این روزها باز هم تحت فشار قیمت‌ها در بازار دلار است. برخی از کارشناسان بازار سرمایه بر این باورند، امسال پربازده‌ترین بازار، بازار سرمایه است؛ این نکته مهمی است که اگر قرار است فردی در این بازار سرمایه‌گذاری داشته باشد هوشمندانه باشد و مردم بدون مطالعه در زمان رشد بازار خرید نکنند. مردم باید با برنامه‌ریزی در صندوق‌های سرمایه‌گذاری سهامی، پله پله خرید کنند نه اینکه با اعتماد به افرادی که در کانال‌های تلگرامی سهمی را معرفی می‌کنند آن را خریداری کنند و ریسک خود را بالا ببرند.

اما آنچه امروز اتفاق افتاده این است که مردم از ترس جاماندن از تورم اقدام به سرمایه‌گذاری‌های اشتباه می‌کنند؛ هر کسی که دلار را با نرخ ۵۵ هزار تومان خریداری کرده امروز با زیان سنگینی روبه‌رو شده و همین قضیه در بخش خرید سهام هم رخ داده است؛ اما اگر افراد به صورت هوشمندانه سرمایه‌گذاری می‌کردند، با زیان روبه‌رو نمی‌شدند. آنچه قابل پیش‌بینی است اینکه امسال و اوایل سال آینده سال خوبی برای سرمایه‌گذاری در بورس است و بهترین فرصت برای خرید سهام نیز خواهد بود. سهم‌هایی مانند فولادی‌ها و زغال سنگ و صنایع مادر و پتروشیمی‌ها سهم‌های خوبی برای

خرید هستند، هر چند نرخ دلار این روزها کاهشی شده و همه این موضوع دلیل اصلی افت‌های بورس می‌دانند، اما افزایش زیان انباشته خودروسازان هم شاید در نگاه اول برای افت بورس بی‌ربط باشد، اما دلیل دیگری برای این افت‌ها است.

اگر می‌بینیم حجم معاملات کم شده به این معنی است که نفس فروشنده گرفته شده و فروشنده‌ای در بازار نیست. این بازار هنوز از بازارهای دیگر عقب است و در کف قرار گرفته و این اصلاح هم شاید ۱۰ درصد باشد.

ارتباط رشد بورس با تورم چیست؟

موضوع دیگری که وجود دارد این است که رشدهای بورس را به تورم نسبت می‌دهند و برخی می‌گویند بررسی‌ها به تورم علاقه‌مند هستند؛ اما نکته‌ای که وجود دارد اینکه کل اقتصاد امروز ایران با تورم در حرکت است و تسویه‌های دولت هم به همین صورت انجام می‌شود. پس بورس هم که درصد کوچکی از اقتصاد کشور است از این موضوع نفع می‌برد. برخی کارشناس بازار سرمایه می‌گویند: انتشار اخبار مثبت سیاسی همواره در سال‌های گذشته نیز بوده و انتظارات تورمی که مردم و سرمایه‌گذاران نسبت به این اخبار داشتند تعدیل‌های مثبت یا منفی را به دنبال داشتند و این‌ها انتظارات تورمی می‌سازند.

انفجار بورس در راه است

در این یکی دو سال اخیر چندین بار خبر آزادسازی پول‌های بلوکه شده منتشر شده و حتی گاهی اعلام شده که این پول‌ها تبدیل به ریال هم شده است و باز هم بازار به این اخبار واکنش نشان داده است. در این میان برخی نیز پیش‌بینی کردند که انفجار بورس در راه است و اگر فردی در این بازار سرمایه‌گذاری کند حتماً بارش سهام خود روبه‌رو می‌شود؛ چرا که در این روزها با خرید دلار از سوی حجاج روبه‌رو هستیم و در ماه آینده هم مراسم اربعین پیش‌روست و باید ارز با قیمت‌های پایین برای این مسافران تهیه شود. ضمن آنکه باید ارز کالاهای اساسی هم تهیه شود که به راحتی با انتشار این اخبار مثبت این ارزها را از بازار جمع‌آوری می‌کنند تا بتوانند آن را به متقاضیان تخصیص دهند.

بال‌های فرشتگان در دستانتان شماماست!

جشنواره حساب‌های قرض الحسنه بانک دی
(همراه با هزاران جوایز نقدی ارزنده)



بانک دی
DAY BANK
بانک دی، بانک ارزش آفرین

